

کارگران جهان متحد شویم!

# بولتن اخبار کارگری

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



می 2018 - اردیبهشت 1397

شماره 72

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

<http://nahadha.blogspot.com/>

[boltanxaberi@gmail.com](mailto:boltanxaberi@gmail.com)



## بحث و بررسی

## اول ماه 1397 در ایران

اول ماه مه باید روز تعطیلی رسمی باشد!

برگزاری مراسم اول ماه مه بدون دخالت و سرکوب دولت و نیروهای نظامی حق مسلم کارگران است!

پیش بسوی ایجاد سازمانها، تشکلهای و نهادهای مستقل کارگری!

مبارزه متحد و متشکل برای افزایش مزد و بازنشستگی مناسب بالای خط فقر!

پرداخت مرزدهای عقب افتاده در اسرع وقت!

آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی!

برابری کامل حقوق زنان و مردان!

آموزش و بهداشت رایگان برای همه!

بیمه بیکاری مکفی همه بیکاران!

لغو خصوصی سازیها، لغو قراردادهای سفید امضا و موقت!

لغو کار کودکان!

آزادی کامل بیان، عقیده، تشکل و اعتصاب!

رفع تبعیض کامل حقوقی برای همه کارگران در ایران و منجمله کارگران متولد افغانستان و ...

یکشنبه 27 مه 2018 - 6 خرداد 1397

ساعت 20.00 بوقت اروپای مرکزی، به وقت ایران 22.30

پائالی

Osage: Iran - Tajarobe Kargari

Category: Asia,... Subcategory: Iran

# کارگران جهان متحد شویم!

## زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر



اول ماه مه روز تاریخی است که در آن افقی روشن بر مبارزه کارگران گشوده است. امسال هم در این روز، طبقه کارگر جهانی همبستگی طبقاتی خود را بر علیه نظام استثمارگرانه سرمایه داری در سراسر جهان به نمایش در میآورد.

بگذار در این روز کارگران با دستهای پر توان خود چرخ انباشت سرمایه را از کار بیاندازند و با سر دادن سرود انترناسیونال، موجودیت خود را بعنوان یک طبقه به سرمایه داران بابت توحش دیرپایشان، هشدار دهند.

امسال در ایران روز جهانی کارگر در حالی فرا می رسد که همچون سال گذشته، دستمزد کارگران همچنان زیر خط فقر است، با افزایش سرسام آور قیمت‌های مایحتاج زندگی و تعطیلی کارخانه ها هر روزه صد ها و هزاران کارگر به صف میلیونی بیکاران رانده میشوند و بموازات آن درصد بالایی از کارگران بیکار شده از قوانین بیمه بیکاری محرومند و فقر و فلاکت بر زندگی آنان سایه انداخته است. سرکوب فعالین کارگری و بویژه بیکار سازی و به دادگاه فراخواندن فعالان سازمانده اعتصابات و اعتراضات به قوت خود باقی است. هر گونه اعتراض و مقاومت کارگران با بازداشت و زندان پاسخ میگیرد، کارگران علاوه بر محرومیت از حقوق اجتماعی خود از قبیل برپائی تشکل و اعتصاب و اعتراضات، هر روزه و هر لحظه در معرض شدیدترین تهاجمات به زندگی و معیشت خود قرار دارند.

با توجه به این معضلات اساسی که طبقه کارگر و توده های مردم با آن روبرو هستند، اما مبارزات کارگری در سطح بسیار وسیعی با اعتراض و اعتصاب برای کسب مطالبات و خواسته ها ادامه دارد. مبارزه کارگران بر علیه حکومت سرمایه جمهوری اسلامی فضای سیاسی جامعه را به نفع خود و سایر جنبشهای اجتماعی تغییر داده است. کارگران بدون ترس و وحشت در مقابل دولت و کارفرماها ایستاده و سرسختانه خواسته های خود را تا جاییکه توازن قوا اجازه بدهد به رژیم تحمیل می نمایند. دهها اعتراض و اعتصاب پیگیر کارگران بخصوص کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و... لرزه بر تن جانیان سرمایه انداخته است. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به نیروی طبقاتی خود خواستار برکناری کارفرماها و کنترل کارخانه به دست خود شدند. کارگران فولاد اهواز مصرانه خواسته هایشان را بدون ترس و هراس از زندان و دستگیری طلب نمودند.

ما شاهد خیزش مردمی در دیماه بودیم، که در اکثر شهرهای ایران، توده ها همزمان و هماهنگ به خیابانها ریختند و علیه ستم طبقاتی و جنسی فریاد زدند و بدون ترس و واهمه، نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را بدون ترمیم به جناحهای درون حکومتی به زیر سوال برده و مورد تعرض قرار دادند. بدون شک، بخش اعظم شرکت کننده گان این اعتراضات خواسته ها و مطالباتشان به منافع طبقه کارگر گره خورده است. این حرکتها بدون مبارزات متداوم و پیگیر کارگران که در ایجاد و تقویت فضای سیاسی جامعه تاثیر بسزایی داشته است امکانپذیر نبود.

مبارزات کارگران در روز اول ماه مه طی چند سال گذشته کما بیش علیرغم جو سرکوب حاکم بر فضای جامعه جریان داشته است، و کارگران در این روز گرد همایها، راهپیمایها بر پا داشتند و قطعنامه صادر کردند. این ها باعث شد سطح مبارزات آنها به نحو چشمگیری ارتقاء یابد، با توجه به نکات قوت و ضعف سالهای گذشته، کارگران و متحدین آنها قاعدتا با هوشیاری بیشتری به استقبال این روز خواهند رفت. واضح است که دستگاه سرکوب تا چه حد هشیارانه در کمین مبارزات کارگران در این روز و به ویژه فعالین آن نشسته و از همه سو به آنان یورش می برد، بنابراین خیلی واقعی است که ایجاد مراسمهای توده ای در این روز به اشکال مختلف با مانع سرکوب رو برو گردد؛ اگرچه طی سالهای گذشته نیز علیرغم فضای بسته و تمام تدابیر امنیتی و فشارهای گسترده که بر رهبران و فعالین کارگری در محیط های کار و خارج از آن رو به افزون بود، اما همچنان کارگران برای ایجاد تشکلهای توده ای خود و بر علیه نابرابریها و فشارهای موجود ناشی از بحرانهای اقتصادی به مبارزه و مقاومت برخاستند. کارگران مبارز به خوبی آگاهند که روند مبارزه طبقاتی آشتی ناپذیر، دستگیری، زندان و شکنجه فعالین کارگری و سوسیالیست و محروم کردن آنان از حداقلترین حقوق اجتماعی و سیاسی را بدنبال دارد، اما بدون شک پیروزیها و دستاوردهایی را نیز به همراه خواهد داشت، که راه را برای مبارزات جدی تر هموار خواهد نمود.

اول ماه مه روز هم پیمانی بیشتر طبقه کارگر برای اتحاد و همبستگی اش بر علیه نظام بربریت سرمایه داری است. بنابراین، رمز پیروزی متحقق نمودن این اتحاد، در ایجاد تشکلهای مستقل کارگری است.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همسو با این روند و در کنار طبقه کارگر و تمامی مبارزین، به پیشواز اول ماه مه میرویم و به طبقه کارگر و تمامی انسانهای آزادیخواه و مبارز، شادباش می گوئیم.

اپریل 25، 2018

پیش بسوی همبستگی تشکل های کارگری در

مبارزه مشترک و متحد علیه نظام سرمایه داری!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

# سال نو کارگری و اول ماه مه، بر کارگران جهان خجسته باد

یک سال کارگری را پشت سر گذاشتیم، سالی که بارزترین شاهد نبرد طبقاتی کار و سرمایه بود. با گذشت چند قرن از حیات سراسر تبعیض سرمایه‌داری جهان معاصر سایه جنگ، نابرابری، فقر، گرسنگی، گرم شدن سیاره زمین و مهاجرت میلیونی انسانها و... بر فراز سر مردم در گشت و گذار است.

در ایران وضعیت کارگران در نتیجهی بختک جمهوری اسلامی به شدت آسیب دیده است. سرکوب سیستماتیک کارگران پیشرو و سازمان‌های مدافع جنبش کارگری از بدو انقلاب به یکی از سیاستهای ثابت رژیم اسلامی تبدیل شده است. این در حالی است که کارگران ایران از تشکل مستقل و سراسری خود محروم اند و فعالان کارگری یا در زندانند و یا با قید وثیقه آزاد و منتظر بازداشت دوباره اند. سرمایه داری استثمارگر ایران از هیچ برنامه و ترفند و حيله ای برای کشیدن شیره جان کارگران فروگذار نکرد: مزدهای کارگران را ماه ها و سالها به تعویق انداخت یا پرداخت نکرد، بسیاری از حقوق و مزایای کارگری از جمله سهم حق بیمه کارگران را حذف نمود و یا نپرداخت. واحدهای کار را به عناوین واهی تعطیل و هزاران کارگر را بی کار نمود، کارگران اعتصابی و نمایندگان مبارز آنها را اخراج نمود، هر حرکت اعتراضی را با حمایت دولت و نیروهای نظامی و قضائیش (که خود بزرگترین سرمایه دار است و نماینده و مدافع منافع سرمایه داران است) سرکوب نمود، کارگران را به زندان انداخت، شکنجه کرد، کشت و یا به خودکشی واداشت و یا ترور کرد. وضعیت کارگران افغانستانی مقیم ایران بعثت تبعیضات و تحقیرات و محرومیت های مضاعف بمراتب وخیمتر است.

در مقابل این همه زور و ظلم و ستم و بی عدالتی و بی حقوقی، کارگران و سایر اقشار زحمتکشان جامعه ساکت ننشستند، در سراسر کشور و در تمامی شهرهای بزرگ و کوچک در تمام سال و هر روزه، شاهد، اعتراضات، اعتصابات و انواع ابتکارات در تداوم مبارزاتشان بودیم. اعتصابات طولانی گروه ملی فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، هپکو و آذربایجان، کارگران شرکت واحد، پتروشیمی ها، کارگران تمام شهرداری ها، مخابرات و ... مبارزات زنان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دانشجویان و بویژه زندانیان سیاسی مبارز و تسلیم ناپذیر و همچنین کشاورزان، مال باخته گان، کولبران، زلزله زدگان و ... که اوج خود را در خیزش سراسری محرومان و ستم‌دیدگان جامعه در پیوند دادن جنبش نان و کار و آزادی در 8 دیماه 96 نشان داد، نشانه های درخشانی از این مبارزات پیگیر و حق طلبانه در همسویی، همزمانی و همبستگی با یکدیگر بود. سازماندهی کار، برنامه ریزی های حساب شده و هوشمند، شعارهای محقانه و کوبنده، اتکاء به نیروی خود در شعارهایی نظیر: "اگر نمیتوانند کارخانه را اداره کنند ما کارگران خودمان میتوانیم مدیریت را بدست بگیریم" (کارگران نیشکر هفت تپه) شرکت خانواده ها در راهپیمایی ها و بعضاً حمایت سایر اقشار مردمی از این مبارزات، ویژگی های این دوره را نشان می دهد. نقش برجسته زنان آگاه و مبارز در این مبارزات بسیار چشمگیر است. بویژه حضور آنان در روز 8 مارس با شعار "اشتغال و دستمزد برابر حق همه زنان" و در اعتراض به نابرابری و تبعیض جنسیتی در عرصه اشتغال و معیشت در مقابل وزارت کار نشان از رشد آگاهی این جنبش است که می کوشد با تکیه بر اساسی ترین مطالبات زنان، در جهت پیوند با جنبش کارگری و کمک به متشکل ساختن زنان کارگر به پیش رود. اتحاد کارگران، عزم راسخ در مقاومت و پایداری تا به آخر، نهراسیدن از هرگونه تهدید و خطر و زندان و حتا مرگ، با اعلام این که: "حمله و دستگیری دیگر اثر ندارد. تا حق مان را نگیریم اعتصاب ادامه دارد" عوامل مؤثری در کسب برخی موفقیت های نسبی و موقتی کارگران و

## کارگران جهان متحد شویم!

نشانگر پیشروی و تعرضی شدن اعتراضات کارگری در سال گذشته بود، هرچند هنوز بسیاری از مطالبات به حق کارگران بی پاسخ مانده و به علت عدم توازن قوا به کسب آنها نائل نشدند. اما نبرد طبقاتی را تا محو کامل طبقات، پایانی نیست، یک سال به پایان رسید، اما سالی نویدبخش و پرتلاطم در پیش روست و همان مطالبات باقی مانده، بستر تداوم مبارزاتی تعیین کننده است. سال پیش رو بشارت دهنده تداوم، گسترش و تعمیق این مبارزات از طریق وحدت عمیق تر، سازماندهی و متشکل شدن گسترده تر تا حد سراسری شدن و یکی شدن این جویبارهای پراکنده و برآمدن سیلی خروشان در برهم زدن توازن قوا به سود کارگران است. کارگران آگاه و مبارز فولاد اهواز به درستی گفتند و بشارت دادند که: " امروز تنها راه مقابله با مظلومی که بر ما می‌رود فقط و فقط اتحاد بین کارگران همه صنایع در همه جای کشور است. قدرت و توان ما برای ایستادگی در برابر زورگویان و سرمایه داران زرپرست با یکپارچگی و بهم پیوستگی مان بیشتر و بیشتر خواهد شد. به امید روزی که همه ما کارگران این سرزمین همصدا و هم‌نوا پای مطالبات خود و ایفای نقش در تعیین سرنوشت خود محکم و استوار بایستیم."

با این رهنمود نوید بخش و در این روز خجسته اول ماه مه، روز اتحاد و مبارزه طبقه کارگر جهانی، به پیشواز سال نو کارگری می‌رویم، و با امید به آینده ای روشن پرچم پیروزی های بزرگتر طبقه کارگر را به اهتزاز در می‌آوریم.

### خجسته باد روز اول ماه مه

پیروز باد مبارزات گسترده طبقه کارگر ایران و جهان

برقرار باد تشکل سراسری و مستقل کارگران در ایران

سرنگون باد نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران

"شبكة کنش مشترک"

11 اردیبهشت 1397 - اول ماه مه 2018

امضاها به ترتیب الفبا:

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران - پاریس

انجمن سوسیالیستها - سوئد

انجمن فرهنگی - اجتماعی اندیشه - گوتنبرگ - سوئد

جمعیت کردهای مقیم فرانسه

حمایت از جنبش مردم ایران - ماینس - آلمان

شبكة فعالین کارگری در دفاع از مطالبات کارگران ایران (کلگری) - کانادا

شورای هماهنگی علیه کشتار جمهوری اسلامی (فریاد خاوران) - سوئد

شورای همبستگی با جنبش کارگری - پاریس - فرانسه

شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن - انگلستان

کانون پناهندگان سیاسی ایرانی - برلین - آلمان

کانون سیاسی پناهندگان در شهر مونستر - آلمان

کانون کنشگران دموکرات و سوسیالیست - هاتوفر - آلمان

کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ - سوئد

کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - فرانکفورت - آلمان

کانون همبستگی با جنبش کارگری در ایران - هاتوفر - آلمان

کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران - برلین - آلمان

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - سوئیس

کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - شیکاگو - آمریکا

کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران - فرانکفورت - آلمان

کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

[www.koneshmoshtark.com](http://www.koneshmoshtark.com)

kanoon-koneshe-moshtarak@googlegroups.com

## زنده باد اول ماه مه روز اتحاد، همبستگی و

### به نمایش گذاشتن قدرت طبقه کارگر!



روز جهانی کارگر، سمبل جدال طبقاتی همیشگی طبقه کارگر و سرمایه دار و سند تاریخی دو قرن مبارزات متحد و متشکل کارگران در اقصی نقاط جهان است که در برابر بربریت نظام سرمایه داری، نیروی طبقاتی خود را به نمایش می گذارند.

امسال در شرایطی اول ماه مه، روز جهانی کارگر را گرامی میداریم و به استقبال برگزاری مراسم مستقل آن در نقاط گوناگون کشور می رویم، که کارگران ایران علاوه بر محرومیت از خواستها و مطالبات خود از قبیل برپائی تشکل و اعتصاب و اعتراضات، هر روزه در معرض تهاجمات شدید به زندگی و معیشت خود قرار دارند. هر گونه اعتراض و مقاومت کارگران با بازداشت و زندان پاسخ میگیرد، قیمت‌های مایحتاج زندگی هر روز اضافه شده و با تعطیلی کارخانه ها و صنایع تولیدی صف میلیونی بیکاران، بدون تامین بیمه بیکاری افزایش می یابد.

در دیماه امسال ما شاهد آغاز خیزش مردمی بوده ایم که با به میدان آمدن هزاران نفر در شهرهای مختلف ایران کل موجودیت نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی مورد تعرض و به زیر سوال برده شده است. خیزش مردمی توده های مردم به ستوه آمده ایی هستند که در اثر بحرانهای اقتصادی - سیاسی، با بیکاری وسیع، سرکوب شدید، فقر و نابرابری، بی حرمتی و تورم سرسام آور و رو به افزون دست و پنجه نرم میکنند، و منفعتی جدا از منفعت طبقه کارگر ندارند. ترس و وحشت مردم در مقابل سرکوبگریهای وحشیانه جمهوری اسلامی ریخت و با شهامت و بدون وا همه هماهنگ و همزمان در بیشتر شهرهای ایران به میدان آمدند، و خواستهایشان را یکصدا فریاد زدند. همزمان هم کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و چند ماه قبل از آن کارگران هیکواراک □ معلمان، بازنشستگان، دهها اعتراض کارگری دیگر به اعتصاب، اعتراض، تعرض و مقاومت ادامه دادند. کارگران نیشکر هفت تپه با صدای رسا و بدون ترس از اوباشان و سرکوبگران سرمایه خواستار بر کناری کارفرمایان و کنترل کارخانه به دست خود شدند. کارگران فولاد اهواز مصمم، خواستار مطالبات و حقوقهای معوقه خود شده و از دستگیری و زندان جمهوری اسلامی نهراسیدند. در مجموع این حرکتها نشانه ایی بارز از پیشروی پر قدرت جنبش کارگری در مصاف علیه نظام سرمایه داری است.

## کارگران جهان متحد شویم!

جنبش حاضر، جنبشی است از تمام اقشار مختلف جامعه، که اعتراضات مختلف اجتماعی را نمایندگی میکنند. حضور بیشتر کارگران در صحنه سیاسی این جنبش و رشد و تحرک رو به جلو جنبش کارگری در طول سالهای اخیر بر کسی پوشیده نیست، اما عدم متشکل نبودن طبقه کارگر، با توجه به پتانسیل بالا مانع سازمان دادن خود در سطح سراسری و توده های حاضر در صحنه بوده است. رهبری طبقه کارگر برای کل جامعه ایران از آن جهت حائز اهمیت است، که ضامن منافع اقشار فرودست جامعه است. بهمین دلیل حل بحرانی که امروز دامنگیر جامعه ایران شده است، در گرو به میدان آمدن طبقه کارگر به صحنه سیاسی است. کارگران پیشرو و سوسیالیست هم به این امر واقف اند که روند پیشروی و رادیکالیزه شدن دیگر جنبشهای اجتماعی، از جمله جنبش زنان و دانشجویی، معلمان، پرستاران و ... به پیشروی و متشکل شدن هر چه بیشتر طبقه کارگر گره خورده است. عبور توده های مردم از خط قرمز و بمیدان آمدن آنها با وجود سرکوبهای وحشیانه رژیم، فرصتهای بیشتری را برای بمیدان آمدن طبقه کارگر بعنوان یک طبقه فراهم کرده است.

امروزه برای بسیاری از توده های مردم که در این مبارزات توده ای فعال هستند و خواست نهایی اشان برانداختن حکومت سرمایه جمهوری اسلامی است این سوال مطرح است که بلاخره ادامه این جنبش به کجا ختم خواهد شد و سرنوشت جامعه چه خواهد شد؟ در واقع توده های مردم دنبال آلترناتیوی هستند که بتواند پرچمدار این جنبش بوده و تلاش نماید با تمام توان هژمونی خود را بر این جنبش تا مرحله انقلاب اعمال نماید.

چنین رهبری فقط از عهده طبقه کارگر برمی آید. شاید این سوال مطرح شود چرا کارگران؟ به این دلیل، طبقه کارگر طبقه ای است؛ در تضاد کار و سرمایه، و کارگران تولید کننده کل ثروت جامعه اند. از ویژگیهای دیگر طبقه کارگر بدلیل موقعیت اجتماعی و تولیدی، قادر است با دست بردن به زیر بنای اقتصادی و اجتماعی مناسبات بورژوازی خیزش توده ای مردمی را در جهت مبارزه برای خواستهای واقعی اشان سازمان دهد.

تعرض وحشیانه سرمایه به سطح معیشت کارگران و مبارزه هر روزه آنها برای "نان" و "آزادی" هم ناشی از این تضاد طبقاتی است. کارگران بر مبنای این سازماندهی و همبستگی و تعرض به ساختارهای اقتصادی سرمایه داری خواهند توانست خواست "نان" و "آزادی" را تامین نمایند. مبارزه برای نان یعنی مبارزه علیه مالکیت، علیه فقر، علیه تمام نابرابریها و کسب آزادیهای سیاسی است.

فقط کارگران بنا به رسالت تاریخی اشان قادر خواهند بود وفق متفاوتی را در مقابل تحولات اخیر جامعه ایران فرار دهند که بتواند با تغییرهای بنیادی و از بین بردن مالکیت خصوصی همراه باشد. این ویژگیهای طبقه کارگر است، که این طبقه را در تمایز با اقشار بینا بینی دیگر قرار میدهد. کارگران در اعتراض و اعتصاب به مطالبات خود، با آماج شدیدترین سرکوبها و حملات، بیکاری، دستگیری، زندان، شلاق و ... روبرو میشوند، تنها با اتکاء به نیروی آشتی ناپذیر و طبقاتی خواهند توانست به پیشروی ادامه دهند.

ورود کارگران به صحنه آمده با اتکاء به نیروی میلیونی در روز اول ماه مه خواهد توانست تغییری اساسی در توازن قوا بوجود بیاورد. تاریخ جنبش کارگری در حدود این چهار دهه نمونه های بارزی از توازن قوای کارگران را نشان داده است. این اعتصاب کارگران بود که حکومت نظامی شاه را به زانو درآورد، و در ادامه اش رژیم شاهنشاهی را به زیاله دان تاریخ سپرد. و قیام گسترده و سراسری را به پیروزی رساند. و این کارگران بودند که با برپایی شوراها کارگری کارخانه ها را به کنترل خود درآوردند. در مقابل رژیم ارتجاعی سرمایه جمهوری اسلامی در حدود چهار دهه است سر تسلیم فرود نیاورده اند. مقاومتها و مبارزات کارگران در دو رژیم دستاوردهای بسیاری به همراه داشته است

## کارگران جهان متحد شویم!

مقتدرترین نیروهای سرکوبگر نظامی نیز در مقابل اراده متحد طبقه ای که چرخ تولید را با اعتصابات سراسری خود می خواباند ناتوان خواهند ماند. اول ماه روز اتحاد و همبستگی طبقاتی و به نمایش گذاشتن قدرت طبقاتی کارگران است.

آنچه کارگران و دیگر اقشار تحت ستم رژیم سرمایه داری اسلامی بدان نیازمند هستند وصل شدن اعتراضات به همدیگر و یک کاسه شدن آن است. نیروی اجتماعی کارگران با اتکا به نیازهای ضروری خود و دیگر اقشار مزدبگیر و زحمتکش اعم از این که شاغل باشد یا بیکار، می توانند و قادرند که سرمایه داری و سیاست های نئولیبرالی رژیم اسلامی را به عقب برانند.

اما با تمام استبداد موجود ما شاهد بوده ایم، کارگران از هر فرصتی بر علیه توحش سرمایه داران و نیروهای سرکوبگرش برای احقاق حقوق خود دست به اعتراض و مبارزه زده اند و سعی کرده اند به درجه ای متشکل شوند. به عنوان نمونه می توان از اقدامات مشابه اتحاد عمل مشترک تشکل های برگزار کننده مراسم اول ماه مه سال ۸۸ و ۹۰ نام برد، اقداماتی پیشرو، رادیکال، تأثیر گذار و امید بخشی بودند که توانست سنت یک حرکت جمعی را در میان کارگران قوی نموده، و پیش زمینه های همبستگی و اتحاد بیشتر در میان آنها، را بنیان نهد. چنین اقدامات و همکاری های مشترک تشکل های کارگری، می توانست در مسیری جریان یابد که از دل آن اتحاد عمل های مشترک و امید بخشی حول مبارزه برای خواست ها و مطالبات کارگری بیرون بیاید. اینگونه اقدامات هماهنگ و مشترک تشکل های کارگری، اقدامات مهم و ارزنده ای هستند که می تواند در سطح وسیعتری سازمان داده شوند و همه کارگران اعم از شاغل و بیکار، متشکل و منفرد، همه سندیکاها و تشکل های کارگری شکل گرفته و یا در حال شکل گیری را در بر بگیرد، و از حمایت و پشتیبانی همه جانبه ای برخوردار شود.

برگزاری مراسم اول ماه مه امسال نیازمند اتحاد عمل جدی کارگری میباید که بتواند با بیانیه ها و قطعنامه ها حول مطالبات کارگران به اتحاد و همبستگی آنها یاری رسانیده و جنبش های اجتماعی منجمله زنان و دانشجویان را به جنبش کارگری متصل کند.

اول ماه روز تجدید پیمان طبقه کارگر بر علیه نظام استثمارگرانه سرمایه داری می باشد. روز اتحاد و همبستگی و هم صدا شدن و متشکل شدن است. به این امید کارگران ایران در این روز هم صدا و سازمان یافته و با تقویت روحیه تشکلیابی در کنار هم طبقه ایهای جهانشان به نبرد با سیستم سرمایه داری برخیزند.

## گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگران

### نابود باد نظام سرمایه داری

**جمعی از فعالین کارگری خارج از ایران**

**آوریل 2018**

# زنان و مردان کارگر و زحمتکش

علیه نظام فاسد، دزد و جنایتکار جمهوری اسلامی،

نظام گنبدیده سرمایه داری

متحد و یکپارچه بپا خاسته،

خیابانها و محلهای کار را تسخیر کنیم!

بساط ننگین این دژخیمان اسلامی، سرمایه دار،

حامی کارفرمایان و صاحبان سرمایه را برچینیم!



## مرگ بر سرمایه داری

## زنده باد سوسیالیسم

انجمن سوسیالیستها در سوئد

ماه مه 2018



# نگاهی کوتاه به زندگی و مبارزات کارگران ایران در سال 2017

استثمار وستم طبقاتی بر کارگران در تمامی جوامع سرمایه داری ، روزمره است ، اما زمانیکه فشار و سرکوب امنیتی و پلیسی دولت نیز به مانند ایران بر آن افزوده می شود ، زندگی کارگران بمراتب دشوارتر می گردد و حتی در خطر درهم پاشیدگی کامل و نابودی قرار میگیرد. زندگی کارگران ایران در سالی که روبه پایان می رود ، این چنین بوده است :

## دستمزدهای زیر فقر :

- باتوجه به بحران اقتصادی حاکم بر جامعه ، پایین بودن دستمزدهای کارگری و فزونی تورم و گرانی ، فشار زندگی بر کارگران در این سال بمراتب افزایش یافته است. شرح زندگی کارگران را از زبان چند کارگر شرکت هفت تپه بخوانیم ( نقل از مصاحبه های روزنامه های جامعه فردا و اعتماد با کارگران اعتصابی هفت تپه - چاپ ایران ) کارگران میگویند:

« اگر نامی از مادر این گزارش برده شود، قطعاً اخراج می شویم » ، کارگران میگویند : « بی توجهی به وضعیت شغلی بسیاری از این کارگران ، آنها و خانواده هایشان را درگیر آسیب هایی میکند که جبران ناپذیر است » ... علی که سابقه 18 سال کار در این شرکت را دارد، به شرایط سخت زندگی خودش اشاره میکند و میگوید : « سه تا بچه دارم. همسر من مدتهاست با ناراحتی قلبی دست و پنجه نرم میکند. در این چند سال تمام زندگی ام را فروخته ام تا درمانش کنم. هزینه های درمان همسر من طوریکه که مجبورم ماهیانه حداقل 600 تا 700 هزار تومان ( 150 تا 165 یورو ) هزینه درمان و داروها را بدهم . از بیمه تکمیلی هم خبری نیست . همین حالا که اینجا هستم از سه جا وام گرفتم که هر کدامشان 4 - 5 قسط عقب افتاده دارند. تمام زندگی ام را فروخته ... این شرکت کاری بامن کرد که انگشت ریادگاری مادرم را فروخته تا غذای فرزند شیرخوارم را تأمین کنم... برای کودک شیرخواره ام ... نمیتوانم شیر بخرم. از فشار بی پولی حتی نتوانستم شهریه مدرسه بچه ها را پرداخت کنم. بعضی مواقع حتی پول توجیبی بچه ها را ندارم بدهم . شاید باورتان نشود ولی بسیاری از کارگران ما روزانه دو وعده غذا میخورند» او مستأجر است و بایستی ماهیانه 320 هزار تومان ( 80 یورو ) اجاره خانه پرداخت کند که چهار ماه به تعویق افتاده است . علی ادامه میدهد : « گروه خونی ام ا منفی است . خودتون میدونین چقدر کمیابه ... تصمیم داشتم کلیه ام را بفروشم که زخم فهمید و 10 - 12 روز به نشانه قهقرت خونه پدرش. بچه هام گفتند ما حاضریم زیر چادر زندگی کنیم ولی تو این کار را باخودت نکنی. حالا هر روز فکر میکنم که چه کنم . تازگی ها تصمیم گرفته ام به بهانه مأموریت هم که شده چند روزی به اهواز برم و کلیه ام را بفروشم ، شاید از زیر بار فشار روانی از دست دادن خانه تا چند ماه آینده خارج بشم. همین دیگه. به نفر خودسوزی میکنه یکی هم مثل من کارش به کلیه فروشی می کشه ... » ( در دو ماه پیش کارگری بنام نیکوفر قصد داشت به علت تعویق دستمزدها و در نتیجه فقر ، خود و فرزندش را

## کارگران جهان متحد شویم!

در محیط شرکت هفت تپه به آتش بکشد که کارگران بهنگام این اقدام، مانع شدند و آنها رانجات دادند - توضیح از ما) .

محمد با سابقه کار 16 سال، یکی از دیگر کارگران شرکت هفت تپه است. او به روایت از همسرش بازگو میکند: «چند روز پیش رفته بودم مرغ فروشی تا برای بچه‌ها مرغ بخرم. مرغ را هم روی حساب دقتی که در آن مغازه دارم میبرم، دیدم همسریکی از کارگرانی که من او را می‌شناسم هم در مغازه مشغول چانه زنی برای خرید مرغ است. صحنه‌هایی را دیدم که بسیار تکان دهنده بود. این زن حاضر بود برای گرفتن چهار تکه مرغ تن به هر کاری بدهد. شرم می‌آید... آنوقت می‌گویند اعتراض هم نکنید. مگر میشود این چیزها را دید و ساکت نشست...» در مصاحبه ای دیگر، کارگری زن که چهره اش را با ماسک پزشکی بسته بود گفت: «من بیمار سرطانی ام. شوهرم 5 ماه است حقوق نگرفته. پول داروهای شیمی درمانی ام را بابتدبختی جور می‌کنم. پول دستی از این و آن می‌گیریم... صدایمان به هیچ جا نمیرسد. به مدیر کارخانه گفتم سرطانی ام، اینهم پرونده پزشکی ام. پول شیمی درمانی ندارم. می‌گویند برو وام بگیر. چه وامی بگیرم. من که نمیتوانم خرج نانم را بدهم، چطور قسط بدهم؟ کی به من وام میدهد... ما عضو صندوق بیمه تکمیلی کارخانه هستیم. یک سال است مطالبات کارگران از بیمه تکمیلی پرداخت نشده. بیمه تأمین اجتماعی هم پنج ماه است قطع شده، من با چه امیدی در مانم را ادامه دهم؟ چرا باید آنقدر فلاکت بکشم؟ بابت چی؟»

### دستمزدهای عقب افتاده :

دستمزدهای زیر خط فقر کفاف حداقل مخارج زندگی کارگران را نمیدهد تا حدی که برخی از آنها مجبور به فروش کلیه ویا خودکشی می‌شوند. بدتر اینکه، سرمایه داران در بسیاری موارد و در شرکت‌های گوناگون حتی از بموقع پرداختن همین دستمزدهای ناچیز نیز سر باز می‌زنند و فشار بر کارگران را تشدید میکنند. امروزه اکثر اعتراضات کارگری در ارتباط با تعویق در پرداخت دستمزدها میباشد. چند نمونه: 1200 کارگر شرکت هفت تپه در همین ماه بمدت هفت روز با خواست پرداخت 5 ماه دستمزدهای عقب افتاده برای چندمین بار در اعتصاب بوده اند. همچنین 500 کارگر باز نشسته کیان تایر برای درخواست مطالبات خود چندین بار اقدام به برگزاری میتینگ در جلوی کارخانه و در جلوی مجلس و دفتر ریاست جمهوری کرده اند. 810 کارگر شهرداری مهاباد 5 ماه دستمزد را طلبکارند. 263 کارگر شرکت دیار در گلپایگان 10 ماه دستمزد عقب افتاده دارند. شرکت نورپلاست در قزوین 11 ماه، شرکت سنگ پاسارگارد در تاکستان و پیمانکاری راهسازی تنگ زاغ در فیروزآباد 18 ماه به کارگران بدهکارند و...

### اخراجها و بیکارسازی

اخراج کارگران تحت عناوین گوناگون فشاری مضاعف بر کارگران بوده و همچنان بشدت ادامه داشته است. در ده ماه سال 2017 بیش از 3500 کارگر در شرکت‌های کوچک و بزرگ اخراج شده اند. دلایل اخراج عبارتند از اعتراضات کارگری و ایجاد وحشت در کارگران، افزایش بی رویه واردات و حتی قاچاق توسط پاسداران که کاهش تولید داخلی را به همراه دارد و سرمایه دار داخلی کاهش درآمد خود را با اخراج تعدادی از کارگران جبران میکند، اخراج کارگران رسمی و بخصوص سابقه دار و جایگزینی این تعداد را با کارگران جدید که به علت بیکاری شدید در ایران، مجبور به امضای قراردادهای موقت

## کارگران جهان متحد شویم!

و مزایای پائین تر دستمزدی می‌شوند که در نتیجه سودبری بیشتر سرمایه دار را امکان پذیر میکند، کمبود مواد اولیه که تعطیلی کارخانه و یا تقلیل تعداد کارگران را در پی دارد، اعلام دروغین ورشکستگی شرکت و رهنائی از بدهکاریهای شرکت با کمک مقامات دولتی و بانکی، تبدیل زمین تجارتي به زمین ساختمانی و فروش بمراتب گران تر آن و...

### زنان کارگر

کارگران زن در ایران همچنان بشدت و بمراتب بیشتر از مردان کارگر تحت استثمار و ستم قرار دارند. بر اساس آمار دولتی که هیچ اطمینانی به آن نیست تعداد زنان شاغل حدود 11% کلیه شاغلین برآورد شده است. بخشی از این شاغلین در بخشهای غیرتولیدی کار میکنند و در نتیجه نیاپستی به عنوان کارگران زن به حساب آورده شوند. آن بخش از زنانی نیز که در تولید شرکت دارند، عمدتاً در کارگاههای زیر ده نفر که معاف از اجرای مزایای قوانین کار میباشند کار میکنند و در نتیجه علاوه بر اینکه دستمزد بسیار کمتری از کارگران مرد برای کار مشابه دارند، از بیمه درمانی و بازنشستگی، حقوق بارداری و عیدی و... محروم اند. در حالیکه بنابر مصوبه دولت، حداقل دستمزد کارگری مبلغ 812 هزار تومان (210 یورو) تعیین شده است، دستمزد واقعی کارگران در اکثر کارخانه ها کمتر از این مقدار است. بنابر اقرار سهیلا جلودارزاده که از مدافعان و نورچشمی های رژیم جمهوری اسلامی است: «اکثر زنان کارگر در بنگاه های اقتصادی و تولیدی فاقد قرارداد کار هستند و اگر قرارداد در میان است یک تا سه ماهه است... و هنوز زنانی با مزدی کمتر از 300 هزار تومان (73 یورو) در ماه کار میکنند». متأسفانه بسیاری از زنانی که دستمزد آن ها و یا همسرانشان کفاف مخارج زندگی خانواده را نمی‌دهد، مجبور به تن فروشی می‌شوند و مورد خشونت و تجاوز جنسی نیز قرار میگیرند. احکام و قوانین اسلامی و در بسیاری موارد فرهنگ سنتی و عقب مانده، عوامل دیگری بر تشدید ستم و فشار بر زنان بخصوص کارگران زن میباشند. زنان کارگر هم در بیرون از خانه کار میکنند و هم انجام کار خانگی را بر عهده دارند، لذا تحت فشاری مضاعف قرار دارند.

### کودکان کار

تعداد کودکانی که به علل متفاوت از جمله بیکاری پدر و مادر یا درآمد اندک آنان که کفاف فقیرانه ترین زندگی را نمیدهد، مجبور به کار برای کمک مالی به خانواده هستند از شمارش خارج است و آمار دقیقی از آنها در هیچ آمار دولتی یافت نمیشود، اما تعداد آن ها آنچنان روز افزون است که در هر گوشه و کنار شهرهای بزرگ صدها کودک در حال شستشوی شیشه اتوموبیلها، فروش سیگار، گل و یادرحال باربری و گدائی آواره هستند. کودکی که بایستی به مدرسه برود و درس بخواند، یا فن و حرفه ای یاد بگیرد، بعلت فقر خانواده مجبور است برای گذران زندگی، سرگردان در خیابانها به کارهای طاقت فرسا برای کودکان بپردازد و هزاران کودک بی خانمان که حتی مجبور به کارتن خوابی شده‌اند و حتی مورد تجاوز جنسی قرار دارند.

اکثر کارخانه ها و بویژه کارگاههای کوچک و بخش ساختمانی محروم از حفاظت ایمنی کار میباشند . سرمایه داران برای سود بری بیشتر هیچگونه توجهی به سلامت جسمی کارگران ایران ندارند و به تنها چیزی که می اندیشند، افزایش درآمد و سودبری است ، حتی اگر همراه با مرگ یا مصدومیت کارگران باشد . سالانه هزاران کارگر در ایران جان خود را در کارخانه ها یا ساختمانهای محروم از ایمنی کار از دست میدهند یا بشدت صدمه جسمی می بینند . این سوانح ناشی از بی ایمنی محیط های کار تا بدان حد افزایش یافته است که حتی مقامات مسئول دولتی نیز مجبور به ادعان آن شده اند. مسعود قادی پاشا مدیرکل پزشکی قانونی تهران گفت که در ده ماه سال پیش « مرگ ناشی از کار ، نسبت به مدت مشابه سال گذشته 11/4 درصد افزایش داشته است » . علاوه بر مرگ کارگران، در اثر عدم امکانات ایمنی کار، بایستی به صدمات ناشی از کارهای سخت و زیان آور نیز که لطمات آنها در آینده مشهود می شود توجه داشت یعنی اینکه زندگی کارگران در ایران نه تنها بهنگام کار در مخاطره شدید قرار دارد بلکه حتی در زمان بازنشستگی نیز با خطر مرگ زودرس همراه است . همان مقام دولتی میگوید : « طبق آخرین تحقیقات ، کارگران آلمان سی سال بعد از بازنشستگی همچنان امید به زندگی دارند، اما کارگران ایران شاغل در کارهای سخت و زیان آور معمولاً حدود سه سال بعد از بازنشستگی به علت بیماری فوت میکنند. در حال حاضر بیماریهای شغلی منجر به فوت 6 تا 12 برابر حوادث ناشی از کار است» . وی اشاره دارد که : « در پنج ماهه نخست سال جاری، 183 کارگر در استان تهران بر اثر حوادث کاری جان خود را از دست دادند که در مقایسه با سال گذشته چهار درصد افزایش نشان میدهد ( تارنمای میدان 17 اکتبر 2017 ). حتی محاسبه یک انگشتی نشان میدهد که اگر بنا بر اقرار این مقام مسئول بپذیریم رقم 183 نفر دستکاری و کمتر از واقعیت اعلام نشده باشد ، حدود 1098 تا 2196 کارگر دیگر در اثر بیماریهای ناشی از کار در 5 ماه در استان تهران فوت میکنند که با محاسبه سال و افزودن تعداد مرگهای فوری ناشی از کار، تعداد قربانیان ناایمنی محیط های کار تنها در استان تهران، سالیانه بالغ بر 11700 نفر میشود . حال اگر به همین ترتیب تعداد مرگ ناشی از کار را در استانهای دیگر یعنی در سراسر ایران محاسبه کنیم، تعداد کارگرانی که سالیانه در ایران به علت ناایمنی محیط کار بمنظور افزایش درآمد سرمایه دار، فوت میکنند، دهها هزار نفر میشود. سرمایه دار نه تنها کارگر را استثمار میکند و با سود ناشی از کار کارگر، بر ثروت خود می افزاید، با عدم پرداخت بقوق دستمزدها، باز هم در اندیشه فزونی ثروت خود به ازای فقر و گرسنگی و بیماری کارگر میباشد بلکه مرگ زودرس را نیز به کارگر " هدیه " میکند تا باز هم بر ثروت خود افزوده باشد. این است مفهوم و واقعیت ماهیت مالکیت خصوصی برابر تولید . هر آنگاه که کارگر زبان به اعتراض گشاید، چماق اخراج در دست سرمایه دار است و بیکاری و سرکوب حکومتی نصیب کارگران . حتی وابستگان دولتی نیز در پی اوجگیری مبارزات کارگری مجبور شده اند به این چماق سرمایه دار و فشار حکومتی اعتراف کنند . ناصر چمنی عضو هیأت مدیره کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری که تشکلی وابسته به جمهوری اسلامی است، تحت عنوان کارگران از ترس اخراج شدن به ناامنی کارگاه اعتراض نمیکنند، اقرار دارد که : « قراردادهای موقت وزیر سئوال رفتن امنیت شغلی در محیط کارگاهی موجب شده تا کارگران نتوانند با خاطر آسوده نسبت به رعایت نشدن تمهیدات ایمنی و خطرهای جانی مترتب بر آن از کار فرما گلایه کنند... کارفرمایان تصور میکنند هزینه کردن ایمنی کارگاه و تجهیز آن بیمورد و هزینه اضافی است و وقتی به این شرایط موقعیت نابرابر کارگران قراردادی

## کارگران جهان متحد شویم!

وپیمانکار را نیز اضافه کنیم، طبیعی است که راه هرگونه انتقاد از کارفرما بسته می‌شود... دولت هم در نبود انجمنهای صنفی مستقل و سندیکا، علاقه چندانی به نظارت بر کارگاهها و احقاق حقوق کارگران ندارد.» (تارنمای میدان 5 نوامبر 2017).

### دستگیری وزندان

از رژیم اسلامی ایران میتوان به راحتی بعنوان یکی از ضدکارگرتترین حکومت در جهان نام برد. شدت و گستردش سرکوب کارگران معترض در ایران آنچنان شدید و گسترده است که اعتراض تقریباً تمامی اتحادیه های کارگری در اکثر کشورهای جهان و همچنین سازمان جهانی کار را نیز برانگیخته است. اخراج کارگران معترض از سوی کارفرما که وسیله ای متداول برای ترساندن کارگران از توسل به اعتراض میباشد کفایت نمیکند بلکه در بسیاری از موارد مقامات امنیتی و پلیسی وارد محیط کارخانه میشوند و کارگران را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داده و دستگیر و زندانی میکنند. بارها کارگران هفت تپه در چندین ماه گذشته مورد حمله قرار گرفته و دستگیر شده اند. بیشترین فشار حکومتی بر فعالین کارگری وارد میشود زیرا رژیم اسلامی از نفوذ فکری و مبارزاتی این فعالین در بین کارگران و بخصوص کوشش آنها در جهت سازماندهی اتحادیه ای کارگران نگرانی دارد. فعال کارگری بهنام ابراهیم زاده دوران 11 ساله محکومیت زندان را میگذراند. فعال کارگری شاهرخ زمانی را در سال گذشته در زندان کشتند. فعالین کارگری کورش بخشنده و محمد جراحی را که بهنگام زندان چندین ساله مبتلا به بیماری کشنده شده بودند، هیچگونه معالجه پزشکی نکردند بطوریکه پس از آزادی در همین سال به علت عدم مداوای پزشکی در دوران زندان درگذشتند که در واقع امر میباید رژیم جمهوری اسلامی را قاتل این دو فعال کارگری دانست. زندانبانان وظیفه دارند کارگران زندانی را مورد زشت ترین توهینها قرار دهند و در هر زمان که مناسب دانستند به آنان حمله ور شده و آزار جسمی و روانی دهند. کارگران معترض در چندین مورد از جانب دادگاههای اسلامی به شلاق محکوم شده و این احکام درباره آنها اجرا شده است. دونهونه: کارگران معترض دستگیر شده معدن آق دره و معدن بافق در همین سال محکوم به شلاق شدند. در همین سال فعال کارگری سعید شیرزاد زندانی شده و دوتن از اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران ( واحد ) به نامهای ابراهیم مددی و داود رضوی، به دادگاه فراخوانده شده اند. فعالین کارگری رضا شهابی عضو هیأت مدیره کارگران سندیکای اتوبوسرانی تهران ( واحد ) و محمود صالحی از پایه گزاران اتحادیه خبازان سقز را در چند ماه پیش دستگیر و زندانی کردند. این دو فعال کارگری که تا کنون چندین بار به علت فعالیت کارگری و کوشش برای ایجاد سندیکاهای کارگری زندانی شده اند، بشدت بیمار هستند. محمول صالحی از بیماری کلیوی رنج میبرد و می باید هرروزه دیالیز شود. رضا شهابی به علت ناراحتیهای ناشی از دستگیریها و ضرب و شتم در زندان، مبتلا به بیماری شدید دیسک و ستون فقرات و گردن است که چند بار تحت جراحی پزشکی قرار داشته و اکنون نیز احتیاج به مراقبت شدید و فوری پزشکی دارد. مقامات زندان از ادامه معالجه این دو فعال زندانی خود داری کرده اند بطوریکه هم اکنون زندگی رضا شهابی در خطر مرگ قرار دارد، بخصوص که رضا شهابی به علت عدم ادامه معالجه و ناراحتیهای زندان در روز 12 دسامبر دچار سکت شده و در وضع وخیم جسمی قرار دارد. بیشر می زندانبانان و فشار امنیتی بر این فعالین کارگری در این باره تا بدان حد بود که دست و پای آنان را بادتیند و زنجیر به تخت بسته اند.

## کارگران جهان متحد شویم!

در پی مبارزات هواداران جنبش کارگری در ایران و خارج و پشتیبانی گسترده بسیاری از اتحادیه های کارگری جهانی و کشوری با خواست آزادی بدون قید و شرط این فعالین کارگری، رژیم ضدکارگری اسلامی مجبور شد که محمود صالحی راززندان آزاد کند. رضا شهابی همچنان در زندان است و بخصوص پس از سکنه مغزی، در وضعیت جسمی وخیمی بسر میبرد که عدم آزادی فوری وی به معنای تصمیم رژیم جمهوری اسلامی بر قتل عمدی رضا است. باشد که با تشدید فعالیتها و پشتیبانی جهانی بتوانیم هر چه زودتر آزادی او را به جمهوری اسلامی تحویل کنیم.

### اعتراضات کارگری

زندگی کارگران ایران و خانواده های آنان در معرض چنان خطر بزرگی قرار گرفته است که بالاچاره ای به جز ادامه مبارزه حتی اگر همراه با دستگیری و شکنجه باشد، ندارند. زمانیکه کارگران هر روزه می بینند که با دستمزدهای اندک حتی قادر به سیر کردن شکم خود و خانواده شان نیستند ولی صاحبان سرمایه و مدیران آنها ماهیانه درآمدهای صدها و در مواردی هزار برابر کارگران دارند و با وجود چنان درآمدهای هنگفت از پرداخت دستمزد کارگران خود داری میکنند و حتی از حمایت دولت و مأموران امنیتی برخوردارند، این کارگران پی میبرند که یگانه راه برای احقاق حقوق پایمال شده شان، توسل به اعتراض است و از اینروست که هر ماهه بر تعداد اعتراضات کارگری افزوده میشود. اعتراضات کارگران ایران در سال 2017 چنان افزایشی داشته است که امکان شمارش آن مشکل است. تنها در یک ماهه ی 10 نوامبر تا 10 دسامبر شاهد 154 اعتراض کارگری در ایران بوده ایم. این اعتراضات تنها آن بخشی است که خبر آنها به خارج از کشور رسیده اند. خبر بسیاری از اعتراضات به علت عدم ارتباطات گسترده سندیکائی در ایران و خفقان شدید امنیتی در جلوگیری از رسانه ای شدن اعتراضات کارگری قابل محاسبه نیست. حتی اگر اعتراضات یکماهه را به طور نسبی در نظر بگیریم میتوان بیان داشت که در ایران در عرض یکسال با بیش از 900 اعتراض کارگری روبرو هستیم. این اعتراضات در اشکال گوناگون میباشند که از آن جمله اند: اعتصاب چند ساعته تا درازمدت، تجمع در محیط کار و اظهار اعتراض، بستن دربهای کارخانه و ممانعت از ورود و خروج مواد اولیه یا تولیدات، میتینگ در جلوی ادارات کار، شهرداری، فرمانداری، مراکز دولتی استانی و وزارتخانه ها، تظاهرات در سطح شهر، تحصن، چادر نشینی، مصاحبه، نامه نگاری به مقامات مربوطه دولتی و مجلس و نهادهای جهانی کارگری، جمع آوری امضاهای اعتراضی برای پخش یا ارسال به مجلس و... چند نمونه از اعتراضات کارگران ایران در چند ماه گذشته: تظاهرات و اعتصاب چندین باره کارگران هفت تپه، تظاهرات و اعتصاب چندین باره کارگران هپکودر اراک، تظاهرات 500 نفری کارگران پتروشیمی بوشهر، میتینگ هفت هزار نفری شرکت تراورس راه آهن در اسلام شهر، میتینگ ده هزار نفری کارگران پروژه های پارس جنوبی، اعتصاب 300 نفری کارگران نوب آهن اصفهان، تحصن 500 نفری کارگران کیان تایر، کارگران کمباین سازی تبریز 56 روز در اعتصاب بوده اند و...

سرمایه داران اغلب در پی تداوم اعتراضات کارگری کوشیده اند علاوه بر استفاده از اهرم اخراج و حمایت امنیتی دولتی، از طریق تفرقه اندازی در میان کارگران بمانند پرداخت بخشی از دستمزدهای عقب افتاده به جمع کوچکی از کارگران و محروم ماندن اکثریت کارگران، جاسوسی در میان کارگران

## کارگران جهان متحد شویم!

، ایجاد اختلافات قومی و بومی، کنترل از طریق دوربین های مدار بسته و توهین به کارگران ، بدبینی را در میان کارگران رواج داده و معترضین بویژه فعالان کارگری را منفر دساخته و مبارزه کارگری را باشکست روبرو سازند. مسعود رضائی ، یکی از مدیران کارخانه هپکو در اراک بهنگام اعتصاب و تظاهرات فشرده کارگران در چند ماه پیش، فعالین کارگری را تروریست خطاب کرد که مورد تمسخر کارگران قرار گرفت. سیامک نصیری افشار، قائم مقام مدیرعامل شرکت هفت تپه بهنگام اعتصاب و اعتراضات در ماههای ژوئن و ژوئیه، کارگران معترض را اراذل و اوباش خواند که خشم کارگران را برانگیخت و خواهان برکناری او شدند که اکنون با پیگیری کارگران در حال انجام است.

اعتصاب و اعتراض اخیر ( ماه دسامبر ) کارگران هفت تپه پس از هفتمین روز با موفقیت نسبی کارگران پایان یافت. یکی از خواستههای کارگران برکناری قائم مقام مدیرعامل و برخی از دیگر مدیران شرکت بود که مدیریت واسد بیگی، مدیرعامل کارخانه انجام چنین خواستی را قول دادند . علاوه بر این مدیریت تعهد کرد که پرداخت دستمزدهای عقب افتاده را از همین ماه آغاز خواهد کرد و در نیمه ماههای آینده تا تسویه کامل ادامه خواهد داد. همچنین مدیریت شرکت قول داد که در تبدیل کارگران روزمرد به قراردادی اقدام کند . این توافقات بر مبنای پافشاری کارگران در حضور فرماندار شهر شوش و بطور علنی انجام گرفت و ضمانت آنرا شورای شهر بر عهده گرفت که بصورت بخشنامه اعلام خواهد کرد. این موفقیت نسبی را بایستی به کارگران مبارز هفت تپه که پایداری و فداکاری از خود نشان دادند شادباش گفت . اما نیاپستی از طرفندهای کارفرمایان شرکت و نیرنگهای دولتی غافل ماند. سرمایه داران دغلقاری و پای بند نبودن خود به قول و قرارها را حتی اگر کتبی هم باشد بارها نشان داده اند . نه تنها در هفت تپه بلکه در اکثر کارخانه هائی که موفقیت نسبی حاصل شده و به قول و قرار کارفرما اعتماد شده است، کارفرمایان عهد شکنی کرده اند . کارگران هفت تپه اعلام داشته اند که از هفته آینده کلیه قولهای کارفرمایان را زیر نظر خواهند داشت که در صورت عدم اجرا مجدداً اقدام به اعتصاب خواهند کرد . کارفرمایان به خوبی می دانند تا زمانی که کارگران محروم از سندیکای سراسری خود هستند و دولت حامی سرمایه داران از طریق قانون گذاری به نفع سرمایه دار و توسل به زور پلیسی مانع ایجاد تشکل سراسری کارگری میشود، میتوانند عهد شکنی کنند و نه تنها به تعهدات خود وفادار نباشند بلکه با پشتیبانی دولت و مقامات امنیتی به فشار فزونی بر کارگران بیفزایند. کارگران ایران نیز امروز پس از تجربیات تلخ آموخته اند، همانگونه که بارها و بارها در کارخانه های گوناگون شاهد بوده ایم ، به قولهای کارفرما و سرمایه دار نمی توان و نباید اطمینان کرد و همواره می باید در اندیشه ی ادامه ی مبارزه باشند. این مبارزه ای تمام عمری بین کارگرو سرمایه دار است و تازمانی که حاکمیت سرمایه موجود است چنین مبارزه ای نیز بی وقفه ادامه خواهد داشت. بیمورد نیست که کارگران مبارز هفت تپه مهلت آزمایش یک هفته ای را اعلام داشته اند. این ، نشان از هشیاری این کارگران دارد . مبارزاتشان پیروز باد .

**زنده باد جنبش کارگری**

**زنده باد سوسیالیسم**

# اول ماه مه

## به خیابان بیائیم!



**متحد و متشکل علیه نظام گنبدیده سرمایه داری بپا خیزیم!**

**اول ماه مه روز کارگر، روز اعتراض و مبارزه علیه ستم، استثمار،**

**تبعیض، فقر، بیکاری و ... است!**

**اول ماه مه روز تعطیل رسمی باید باشد و تمامی چرخهای تولید**

**باید متوقف شوند!**

**تامین معیشت همگانی را یکصدا در هر کجا که هستیم فریاد زده**

**و خواستار فوری آن شویم!**

**جمعی از فعالین کارگری خارج از ایران**

می 2018



## خانه کارگر یا بی خانه کردن کارگران!

در رابطه با شعارهای فاشیستی خانه کارگر جمهوری اسلامی در روز کارگر

از ابتدای سرکار آمدن و به قدرت رسیدن رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در ایران، سیاست ضد کارگری خود را به نمایش گذاشت. سندیکاها، کمیته های کارخانه، انجمنها، شوراهای و نهاد و تشکلی که در راستای منافع مستقل کارگری (صنفی و طبقاتی) فعالیت، تلاش و مبارزه می کرد، منحل و غیر قانونی اعلام شد. هرگونه تلاش برای احیا و بازگشایی آنها ممنوع و جرم اعلام گردید. تعداد زیادی از پیشروان و فعالان کارگری و کارگران مبارزی که خواهان ایجاد تشکل مستقل صنفی خود بودند اخراج، زندانی، اعدام و یا مجبور به تبعید شدند. به جای تشکلات مستقل کارگران و نماینده های برگزیده آنها، رژیم اسلامی خانه کارگر و در پی آن شوراهای اسلامی را به کارگران تحمیل کردند. این نهاد ضد کارگری از ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی و روی پایه ی همان خانه کارگری بنا شد که در سال 1347 توسط رژیم سلطنتی شاه (سازمان کارگران حزب ایران نوین) ایجاد شده بود. دقیقا هر دو حکومت شاهی و اسلامی برای به چالش کشیدن و مهار تشکلات مستقل کارگری در تحمیل خانه کارگر به آنها وجه اشتراک داشته اند. محبوب، کمالی و ربیعی از بنیان گذاران و گرداننده گان اصلی این نهاد ضد کارگری هستند. این نهاد در چهارچوب سیاستهای کارگر ستیزی جمهوری اسلامی و برای جلوگیری از شکل گیری تشکلات مستقل صنفی آنها توسط حاکمیت درست شده است و در واقع زیرمجموعه حزب جمهوری اسلامی است. این نهاد یکی از عوامل بازدارنده شکل گیری تشکلات مستقل و طبقاتی کارگران ایران است. این نهاد نه تنها هیچ سقف و سرپناهی برای کارگران بنا ننهاد بلکه خود آوارسنگینی بر سر آنها بود، که با عمل کرد مزدورانه اش خواسته ها و مطالبات ستم دیده گان را زیر سایه ی سنگین و تاریکش دفن می کند. کارگران و فعالینی که برای شکل گیری تشکل مستقل تلاش می کنند به طور روزمره در معرض دستگیری، بازداشت، شکنجه و زندان قرار دارند. فلسفه درست کردن نهادهای دست ساز حکومتهای سرمایه داری و از جمله خانه کارگر در ایران، ایجاد سرپناه امن برای امنیت و آسایش مزدبگیران و ستم دیدگان نیست. شرایط به شدت اسفناک زندگی کارگری، خیل عظیم بیکاران، حداقل حقوق چهار تا پنج برابر زیر خط فقر، ارمغان خانه کارگر و حکومت متبوعش است که برای جامعه مزدی ایران به ارمغان آورده شده است. این نهاد ضد کارگری علاوه بر این که هیچ نقش مثبتی در بهبود معیشت مزدبگیران ایفا نکرده است، همواره به عنوان نهاد امنیتی در میان کارگران برای شناسایی فعالان و پیشروان کارگری فعالیت میکند. گردانندگان خانه کارگر از ماموران

رده بالای امنیتی رژیم هستند. قلع و قمع تشکلات مستقل و انحلاشان توسط حاکمیت همگام با عملیاتی کردن پروژه نهاد خانه کارگر، در قتل عام های دهه ی شصت به اوج خود رسید. ابعاد فاجعه آمیز این سیاست انسان ستیزانه جمهوری اسلامی آنچنان وسیع بود که داد خواهی برای مسببین این جنایت هولناک و در واقع نسل کشی همچنان از طریق بستگان، نهادها و جریانات مترقی در جریان است. با نگاه به کارنامه و عمل کرد چهل ساله جمهوری اسلامی دیگر بر همگان آشکار است که رژیم مستبد، دیکتاتور، دزد، غارتگر و یکی از انسان ستیزترین حکومت های سرمایه داری در قرن اخیر است. این نظام برای ماندگاری خود از هیچ جنایتی دریغ نکرده است و در همین راستا کارگران و مزد بگیران با شدید ترین وجه ممکن مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند. تنها راه مبارزه با این سیاست ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی متحد شدن در تشکلات مستقل طبقاتیست تا خواستها و مطالبات کارگران و تمام ستم دیدگان جامعه استبداد زده ایران به حاکمیت تحمیل شود. هرگونه دست آورد و بهبود وضعیت معیشتی منوط به اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران است. در مقابل هرگونه تفرقه در میان صفوف کارگران به جز تامین منافع سرمایه داری هدف دیگری ندارد. شعارهای ناسیونال فاشیستی دریا زده اردیبهشت، روز همبستگی جهانی کارگران از طرف خانه کارگر منجمله کارگر ایرانی، کالای ایرانی و اخراج کارگر خارجی از این جنس است و می بایست متحدانه به مقابله با آن برخاست. منافع طبقه کارگر در ایران ایجاب میکند که در مقابل تفرقه پراکنی رژیم سرمایه داری ایران و تشکلهای وابسته مانند خانه کارگر متحدانه ایستاده، همبستگی و اتحاد طبقاتی میان تمامی کارگران در ایران و جهان را از وظایف پایه خود بداند.

## پیش به سوی ایجاد تشکلات مستقل کارگری در ایران

### زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

جمعی از فعالین کارگری در خارج از ایران

مه 2018

# اول ماه مه

## دیدارمان در خیابان!



اول ماه مه روز تعطیلی رسمی است!  
برگزاری مراسم اول ماه مه بدون دخالت و سرکوب دولت و  
نیروهای نظامی حق مسلم کارگران است!  
پیش بسوی ایجاد سازمانها، تشکلهای و نهادهای  
مستقل کارگری!  
مبارزه متحد و متشکل برای افزایش دستمزد!  
مبارزه متحد و متشکل برای آزادی کارگران زندانی و  
تمامی زندانیان سیاسی!  
برای تامین معیشت و رفاه همگانی بپا خیزیم!  
جمعی از فعالین کارگری خارج از ایران

مه 2018

## کلیت نظام جمهوری اسلامی باید برچیده شود!

زندانهای رژیم مملو از زندانیان سیاسی است!

با تشدید رعب و وحشت، زندان، شکنجه و اعدام،

رژیم جمهوری اسلامی در ایران می خواهد

خود را از بحران سیاسی و اجتماعی نجات دهد!

برای آزادی فوری، بدون قید و شرط زندانیان سیاسی

متحد و متشکل شویم!

پیروزی ما در اتحاد و سازماندهی ماست!

## علیه زندان، کشتار و اعدام

## متحد و متشکل بپاخیزیم!



سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران



فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

## تجمع سراسری معلمان بازنشسته و شاغل

مراکز استانها: مقابل ادارات کل آ. پ  
شهرستانها: مقابل اداره آ. پ

استان تهران و البرز:  
مقابل سازمان برنامه و بودجه

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۷ / ساعت ۱۰

آموزش رایگان و با کیفیت حق دانش آموزان ایران

## کارگران جهان متحد شویم!

اطلاعیه شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران پیرامون تجمع 20 اردیبهشت 97

همکاران عزیز و گرامی

ضمن سپاس از تک تک فرهنگیان بازنشسته و شاغل که در روزهای گذشته برنامه های پیشنهادی هفته معلم را عملیاتی نمودند و با تشکر از دانش آموزان و والدین گرامی که در روز معلم به معلمان ابراز محبت و لطف نمودند و این روز را تبریک گفتند. شعارها و مطالبات صنفی و آموزشی برای چاپ بصورت زیر خدمتتان ارسال می گردد خواهشمند است از این مطالبات پرینت گرفته و در تجمع بعنوان پلاکارد همراه داشته باشید.

مطالباتی که روی پلاکاردها باید نوشته شود به قرار زیر است:

1. حقوق و دستمزد بالای خط فقر حق معلمان بازنشسته و شاغل است.
2. بیمه کارآمد حق معلمان بازنشسته و شاغل است.
3. تشکل یابی مستقل و آزاد حق ماست.
4. معلمان زندانی را آزاد کنید.
5. ما خواهان رفع تبعیض از ساختار نظام آموزشی هستیم
6. قانون مدیریت خدمات کشوری را اجرا کنید.
7. پرداخت به موقع حق الزحمه اضافه کاری و وظیفه دولت است.
8. دسترسی به آموزش کیفی، رایگان و عادلانه حق تمام دانش آموزان است.
9. پولی سازی و خصوصی سازی آموزش را متوقف کنید
10. ما هر نوع خشونت در مدارس را محکوم می کنیم.
11. اساسنامه صندوق ذخیره فرهنگیان را اصلاح کنید انتخابات نماینده معلمان باید مجددا برگزار شود.
12. ما با هر نوع تبعیض و بی عدالتی مخالفیم.
13. معلمان از فقر و فرقی بیزارند.
14. ما خواهان بودجه عادلانه برای آموزش و پرورش هستیم.

شورای هماهنگی ضمن تشکر و قدردانی از حمایت های مردمی و نهادهای مدنی و ابراز خشنودی بخاطر فراگیر شدن مطالبات صنفی و آموزشی نزد سایر اقشار جامعه و نهادهای مدنی تاکید می کند این شورا تشکیلاتی صنفی، مدنی، مستقل و عصاره تشکل های صنفی سراسر کشور است و هیچ وابستگی به جریانات و گروههای سیاسی خارج و داخل کشور (درون و بیرون حاکمیت) ندارد و حرکات اعتراضی خود را با توجه به مطالبات صنفی و آموزشی معلمان پیگیری و اجرا می کند و بر مبنای اصل 27 قانون اساسی تجمعات معلمان قانونی و برحق است، لذا از تمام فرهنگیان شاغل و بازنشسته دعوت می شود متحدانه و همبسته با نظم و هماهنگی در تجمع سراسری فردا #بیستم اردیبهشت\_ ماه شرکت نمایند.

لازم به ذکر است تا ساعتی دیگر قطعنامه پایانی جهت تکثیر و قرائت در پایان تجمع در دسترس تشکل ها و فعالان صنفی قرار می گیرد. لطفا از طریق کانال شورای هماهنگی مواضع رسمی ما را دنبال نمایید.

19 اردیبهشت 97

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

## قطعنامه پایانی تجمع سراسری «بیستم اردیبهشت‌ماه 1397»

### شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

در حالی امسال به استقبال روز معلم و بزرگ داشت ابوالحسن خانعلی و تمام پیشگامان عرصه تعلیم و تربیت رفتیم که وضعیت آموزش و پرورش از هر زمان دیگری بحرانی‌تر و آشفتنه‌تر است. عدم توجه به زندگی و معیشت معلمان بازنشسته و شاغل و بی‌توجهی به کیفیت آموزش در مدارس نشان از آن دارد که آموزش و پرورش در اولویت نهادهای حاکمیتی و مسئولان دولتی نیست. شورای هماهنگی نسبت به این وضعیت اعتراض دارد و نسبت به ادامه بی‌توجهی‌ها و تبعات آن به مسئولان هشدار می‌دهد.

شورا پیش‌بینی می‌کند که با توجه به افزایش بی‌رویه تورم و گرانی و افزایش تعداد دانش‌آموزان (با توجه به رسیدن دانش‌آموزان نظام جدید به پایه دوازدهم) وضعیت نیروهای آموزشی و اداری مدارس در سال تحصیلی 98-97 به مراتب سخت‌تر خواهد شد و توجه ویژه به وضعیت معلمان و نیازهای دانش‌آموزان امری ضروری است. در همین راستا مطالبات صنفی و آموزشی خود را به شرح زیر اعلام می‌کنیم:

1. باید دولت و مجلس زمینه‌های افزایش حقوق و دستمزد معلمان بازنشسته و شاغل را تا بالای خط فقر یعنی پنج میلیون تومان فراهم نماید. در این راستا اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری و اجرای فاز دوم رتبه‌بندی الزامی است.

2. بیمه درمانی تکمیلی یک ضرورت اساسی برای فرهنگیان بخصوص بازنشستگان است و بایستی معلمان به یک بیمه کارآمد دسترسی داشته باشند.

3. معلمان بازنشسته و شاغل باید در تصمیمات نهادهای مرتبط مانند صندوق بازنشستگی و صندوق ذخیره فرهنگیان نقش واقعی و جدی داشته باشند. ضروری است نمایندگان معلمان در صندوق بازنشستگی مشخص گردند و اساسنامه صندوق ذخیره اصلاح و نمایندگان معلمان مجدداً انتخاب شوند.

4. تأکید بر آموزش مبتنی بر تکنیک و کنکور باعث رشد مافیای آموزش و گسترش روند پولی‌سازی آموزش شده است و دانش‌آموزان طبقات محروم در سایه سیاست‌های پولی و خصوصی‌سازی دچار افت تحصیل شده یا از مدارس طرد و از امکان ورود به دانشگاه محروم می‌شوند. ما به این سیاست‌های مخرب اعتراض داریم. خصوصی‌سازی آموزش را فوراً متوقف نمایید و مدارس را به تکنولوژی نوین آموزشی مجهز کنید. مدارس کپری و کانکسی را برچینید و تغذیه مناسب را در

مدارس ارائه نمایید.

5. تشکل یابی مستقل و آزاد حق ماست. دولت و مجلس عامدانه مانع تحقق آن می‌شوند تا اصلاح قانون مربوط به تشکل‌های صنفی در مجلس، دولت باید پروانه فعالیت تشکل‌های صنفی را سریعاً تمدید نماید.

6. به فضای امنیتی حاکم بر فعالان صنفی فوراً پایان دهید و معلمان زندانی محمود بهشتی، اسماعیل عبدی و مختار اسدی را آزاد کنید و معلمان تبعیدی و اخراجی را به مدرسه بازگردانید. شورای هماهنگی در این شرایط، بخصوص نسبت به حفظ جان اسماعیل عبدی که در اعتصاب غذا در شرایط سختی بسر می‌برد به قوه قضاییه و دولت هشدار می‌دهیم. اسماعیل عبدی به خاطر عدم رعایت حقوق اولیه یک زندانی اعتصاب نموده است. شرایط او را بپذیرید تا به اعتصاب پایان دهد. معلمان زندانی را آزاد کنید.

۷. به تبعیض نسبت به معلمان حق‌التدریسی، آزاد و مربیان پیش دبستانی پایان دهید و امنیت شغلی آنان را تضمین نمایید.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران به عنوان یک تشکیلات صنفی و مستقل، پیگیری مطالبات فرهنگیان را وظیفه خود می‌داند و از حمایت‌های مردمی و نهادهای مدنی تشکر می‌کند و تأکید دارد که مطالبات فوق دست‌یافتنی است. چگونه ممکن است برای افزایش حقوق معلمان و کیفی سازی آموزش بودجه و اعتبار کافی وجود نداشته باشد در حالی که به گفته مسئولان میلیاردها دلار ارز از کشور خارج می‌شود و روزانه اخبار اختلاس‌های میلیاردی را می‌شنویم؟!!

شورای هماهنگی از مسئولان می‌خواهد که باتوجه به اذعان همه ی آنها در رده های گوناگون مسئولیتی برای برآورده شدن این خواسته های برحق و اجرای مصوبات پیشین از خود حسن نیت نشان دهند، بدیهی است که تشکل های صنفی فرهنگیان سراسر کشور آماده ی هر نوع راهنمایی و همراهی برای بررسی راهکارهای برون رفت از وضعیت فعلی است اما در صورتی که روند بی توجهی و انباشت این مطالبات و عدم پرداخت معوقات از جمله پاداش بازنشستگان، دستمزد حق‌التدریس، سرانه کافی و لازم مدارس و... ادامه یابد شورا از تمام ظرفیت های خود و از هر کنش اعتراضی مدنی و مسالمت آمیز استفاده خواهد نمود

با آرزوی روزهای بهتر برای مردم ایران و مجموعه ی آموزش و پرورش کشور

## شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

۱۹ اردیبهشت ۱۳۹۷



**پولی سازی و  
خصوصی سازی  
آموزش را  
متوقف کنید.**

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

@FARHANGIANSHOWRA

**حقوق بالای خط  
فقر حق معلمان  
بازنشسته و  
شاغل است.**



## برخورد خشونت آمیز با تجمع صنفی معلمان محکوم است!

پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت تجمع اعتراضی مسالمت آمیز معلمان و بازنشستگان که فرهیختگان کشور هستند؛ در مقابل سازمان برنامه و بودجه با تهاجم نیروهای لباس شخصی و امنیتی سرکوب شد. و تعدادی از معلمان و بازنشستگان بازداشت و با دست بند و پا بند به زندان اوین منتقل شدند و بنابر گزارش شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با زنان معلم شرکت کننده در تجمع بدرفتاری شده و به زمین کشیده شده اند. این تجمع با فراخوان شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در شهرهای مختلف کشور برگزار شد که متأسفانه در تهران اعتراض مسالمت آمیز معلمان و بازنشستگان سرکوب شده است.

اعتراض، تجمع، تحصن و اعتصاب حق مسلم همه مردم است و ضرب و شتم و اهانت به زنان و مردان معلم و بازنشسته را به شدت محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان و مجازات امران و عوامل سرکوب کننده می‌باشیم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه



## 8 مارس امسال در ایران



در شرایطی به استقبال 8 مارس روز جهانی زن، روز مبارزه زنان علیه فقر و نابرابری، تبعیض و استبداد می رویم که که زمانی زیادی از یک خیزش مردمی نمی گذرد، هنوز زنان با شجاعت و جسارت با وجود سرکوبهای حکومت در صحنه اند. در ادامه این مبارزه ما شاهد حضور بی پروا و چشمگیر زنان و دخترانی هستیم که زنان و دختران خیابان انقلاب نام گرفته اند، آنها در خیابان، در سنگر مبارزه برای دستیابی به حقوق خود و برای دستیابی به آزادی به مبارزه برخاسته اند. آنان به "خیابان" آمده اند و با برگرفتن حجاب به حاکمان مرتجع نشان داده اند که ضمن اعتراض خود به چهل سال ستمی که بر آنها روا داشته شده، مبارزات پر صلابت خود را به مبارزات زنان در اسفند ماه ۵۷ علیه حجاب اجباری پیوند میدهند.

این اولین بار نیست که زنان آزاده برای مطالبات و خواسته هایشان به میدان می آیند، در طول سلطه ننگین جمهوری اسلامی زنان همیشه یک پای اصلی این مبارزه بوده اند. تلاش دختران جوان در شکستن تابوها و کلیشه های جنسیتی در جامعه، مبارزه زنان کارگر و خانواده های کارگری، تشکیل صندوق های همیاری زنان، مبارزه با قتل های ناموسی و... تنها بخشی از مبارزات زنان در زندگی روزمره برای دستیابی به بدیهی ترین حقوق سلب شده از ایشان است. اما ستمی که به حد خود رسیده و فریاد زدن آن هر روز گسترده تر خواهد شد، فریاد زنان اسیر کار بدون مزد خانگی قربانی نابرابری فرصت های شغلی و بیکاری رو به افزایش است؛ حرکت و حضور زنان فرودستی است که به تنهایی سرپرست خانواده اند، زنان شاغل در کارگاه های زیر زمینی و زنان کارگر شاغل در کارگاههای کوچک 5 و 10 نفره بدون پوشش قانون کار، بخش خدمات و کارهای پست خانگی که همواره در معرض سوء استفاده و تحقیر اند، زنانی که خیابان را به عنوان عرصه برای بیان مطالبات خود برگزیده اند مگر این فریادها به جز فریاد این زنان اند: زنان پرستار و معلمی که در بدترین شرایط استخدامی مشغول به کاراند، زنان کارگری که به بدترین شکل استثمار میشوند و گاه حتی نه تنها از حقوق بدیهی شغلی خود محرومند بلکه مورد آزار جنسی کارفرما قرار می گیرند، زنانی که برای امرار معاش روزانه خود و خانواده خویش ناگزیر از تن فروشی اند و در فقدان کامل امنیت و بی حقوقی مطلق و تحقیر دائمی قرار دارند و از جانب شرع، دستگاه های سرکوب و عاملان اینهمه نکبت و بدبختی مدام تحت تعقیب و محکوم به مرگ اند.

فریادی که بلند شده فریاد زنانی است که در فقر، فقدان کار، بیمه بیکاری و تامین اجتماعی گرفتارند، آنانی که به کار ارزان کم اهمیت یکنواخت و بدون امکان ارتقای مهارت و ارتقای شغلی مشغولند، این خروش و فریاد زن کارگر نیشکر هفت تپه است که در مقابل کارفرمایان و دولت کارفرما کوتاه نمی آید و همطیفه ایهایش را به مبارزه و مقاومت تشویق میکند، صدای زنانی که همدوش همسران کارگیشان به اعتراض و اعتصاب میپردازند و جاده ها را بر اوباشان و

## کارگران جهان متحد شویم!

سرکوبگران سرمایه می بندند. فریاد مبارزات زنان زندانی همچون آتنا و ماهرخ است که با اعتصاب غذا و مقاومتشان پیامشان را به دیگر زندانیان میرسانند. فریاد مادران مبارز خاوران و پارک لاله است که با جمع شدن در مقابل زندان ها و دادگاه ها خواب راحت را از جنایتکاران سرمایه می ربایند. فریاد مبارزات دختران دانشجو، پرستاران، زنان بازنشسته ایی است که سالها است در صحنه مبارزه اند و هر بار مصمم تر به میدان آمده اند.

فریاد این زنان مبارز، فریاد انسانهایی است که طعم استثمار جنسی و طبقاتی را با تمام وجود خود لمس کرده اند، این فریادها بازتاب محرومیت‌هایی است که ریشه در مناسبات سرمایه داری دارد که بر اساس منافع اقتصادی طبقه‌ای خاص، روابط انسانی را شکل می‌دهند. در این نظام نابرابر زنان همواره با دیوار بلندی از عقاید، سنت‌ها و قوانین دولتی روبرو هستند که با پافشاری بر تولید، بازتولید و تداوم ارتجاع، استعدادها و توانایی‌های آنان را به سخره میگیرند. بهمین دلیل است، که این فریادها در کلیت خود، همت به نابودی نظام سرمایه داری بسته است و توهمی به این جناح و آن جناح درون حکومتی ندارد.

این جنبش به میدان آمده خودجوش که به اشکال مختلف به مبارزه ادامه میدهد، نیاز به متشکل شدن دارد. هر چند سمت و سوی گرفتن آن به آرامی صورت میگیرد. فراخوان دادن به برگزاری مراسم 8 مارس امسال بعد از 8 مارس 57 خود نقطه عطف مهمی در رشد و بدرجه ایی تشکل یابی جنبش زنان است. زنان کارگر که بخشی از جنبش زنان را تشکیل میدهند و بخشی از جنبش کارگری هستند، در این تشکل یابی نقش مهمی را ایفاء خواهند نمود. بویژه با تحریک‌هایی که در رابطه با برپائی مراسم 8 مارس امسال در پیش رو است و قطعنامه‌هایی با خواسته‌های پایه ای زنان مطرح شده، می‌تواند روند متشکل شدن را تسریع بخشد.

امروزه خواسته زنان در مبارزات، دستیابی به برابری کامل زن و مرد در همه عرصه‌های اقتصادی اجتماعی و دستیابی به حقوق انسانی می‌باشد. این خواسته‌ها تنها با محور مالکیت خصوصی و در سیستمی که مبتنی بر تولید و توزیع اجتماعی بوده و نفعی در استثمار زنان نداشته باشد می‌تواند تحقق یابد و تنها، جنبش کارگری است که می‌تواند چنین افقی را پیش روی زنان قرار دهد. مبارزه طبقاتی جنبش کارگری و رشد رو بجلو آن تنها می‌تواند تضمین کننده تحقق مطالبات زنان باشد.

### روز جهانی 8 مارس ، پیش بسوی متشکل شدن

### و تقویت اتحاد جنبش زنان با جنبش کارگری در ایران

**جنبش رزمنده زنان به پیش!**

**مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی**

**پیروز باد سوسیالیسم**

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

<http://nahadha.blogspot.com>

[nhkommittetehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittetehamahangi@gmail.com)

4 مارس 2018

## عفرین را برای دولت فاشیستی ترکیه به کوبانی تبدیل کنیم!

روز شنبه 20 ژانویه ارتش ترکیه از طریق هوا و زمین و با استفاده از نیروهای شبه نظامی «ارتش آزاد سوریه» تهاجم نظامی به کانتون عفرین در کردستان سوریه را آغاز کرد. یگان‌های مدافع خلق (ی پ گ) از کشته شدن تعدادی از مردم در اثر بمبارانهای ارتش ترکیه خبر داد. سوریه سالهاست به محل تلاقی دولت های سرمایه داری جهان و منطقه تبدیل شده است و انواع دستجات نظامی ارتجاعی مورد حمایت دولت های امریکا و روسیه مردم سوریه را به خاک سیاه نشانیده اند. دولت های ارتجاعی در منطقه، ایران و عربستان و ترکیه نیز در صف بندی های نظامی سوریه، اهداف خود را تعقیب کرده و میکنند. اکنون تهاجم نظامی ارتش ترکیه با استفاده از بیشترین تجهیزات و از زمین و هوا علیه کانتون عفرین و تبلیغات فاشیست ناسیونالیستی و مذهبی دولت ترکیه و در راس آن اردوغان، اهداف معینی را تعقیب می کند که تنها با اتکا به نیروی توده ای منطقه کردستان و به شیوه کوبانی می توان آن را خنثی کرد.

دولت اردوغان در ترکیه، با اتکا به صندوق بین المللی پول در پیشبرد سیاست های اقتصادی سرمایه داری جهانی، چند صباحی سرمایه داری ترکیه را تحرک بخشید و به الگویی برای دولت های سرمایه داری منطقه تبدیل شد. با خیزش کشورهای عربی زمان کوتاهی طول نکشید تا سیاست های اقتصادی دولت ترکیه که به وام های بانک جهانی متکی بود همچون حیاتی ترکیب واز دموکراتیزاسیون فرمایشی به اقتدارگرایی آشکار در داخل و خارج از ترکیه مبدل شد. ارتجاع داعش در منطقه که نقطه اتکای دولت فاشیستی ترکیه در بازسازی برای تقویت موقعیت داخلی و خارجی اش گردید با استقامت کوبانی در مقابل آن و بیرون راندنش جایگاه دولت ترکیه را منزلزل ساخت. دولت ترکیه بعد از کودتا و نیز فراندم اکنون در بحران سیاسی شکننده ای بسر می برد و حمله اخیرش به عفرین را در چنین مسیری می توان دید و بویژه استقلال مردم در کردستان یکی از مشکلات عدیده اش بوده و هست.

اتکای دولت ترکیه به ارتجاع فاشیست مذهبی داعش و نیز فاشیست ناسیونالیستی ترکیه در حمله به مردم کردستان در عفرین، که جامعه را به شیوه خود اداره می کنند در انطباق با سیاست های دولت های ارتجاعی ایران و عراق و سوریه و علیه مردمی است که در مناطق کردنشین زندگی می کنند. بی شک این تهاجم توسط گرایش آزادیخواهانه در سراسر جهان محکوم شده و خواهد شد و چه بسا دولت ها را به قبول محکوم کردن آن و خواهد داشت. انعکاس طبیعی حمایت بخش های عظیمی از مردم در منطقه و بویژه در ترکیه و نیز مناطق کرد نشین ایران و عراق و سوریه را در پی خواهد داشت و بی شک با بسیج توده ای در بعدی جهانی و اتکای منطقه عفرین به نیروی توده ای خود، این منطقه نیز برای دولت ترکیه همچون داعش در کوبانی تبدیل خواهد شد.

در مقابل تهاجم نظامی ترکیه به عفرین، با اتکا به استقامت توده ای همصدا شویم!

**جمعی از فعالین کارگری در خارج از ایران**

ژانویه 2018

jamefaalinkargari@gmail.com

# به حمایت و تقویت جنبش اعتراضی در ایران بپا خیزیم!



## تنها نیروی بیشماران، نیروی تغییر دهنده است!

چند روزی است که خیابانهای شهرهای ایران مملو از اعتراضات خشمگین توده های مردم بر علیه نظام ستمگری است که استبداد، فقر و گرانی، بی حرمتی، اعتیاد و فحشاء، زندان و شکنجه و پرپر شدن بهترین عزیزان مردم را در طی چهار دهه حکومت ننگینش به آنها تحمیل نموده است. اکثریت این جامعه بهای بسیار سنگینی برای داشتن یک زندگی شرافتمندانه که حق هر شهروندی است پرداخته اند. تا به امروز رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با هر عوامفریبی و علم کردن این جناح و آن جناح سعی نموده به عمر ننگین و نکبت بار خود ادامه دهد. حرکتهای اخیر و هماهنگ مردمی به کمک دستاوردهای فضای مجازی و تکنولوژی و سر دادن شعارهای رادیکال نه تنها نظام سرمایه داری اسلامی را به چالش کشیده بلکه کل دم و دستگاه حکومتی و نیروهای سرکوبگرش را هم غافلگیر نموده است.

## کارگران جهان متحد شویم!

ایران به علت بحرانهای اقتصادی و سیاسی و فساد و اختلاسهای درون حکومتی مدتهاست آستان حوادث است. بطور مسلم، این حرکتها یک شبه شکل نگرفته است. با نگاهی به اعتراضات و اعتصابات جنبشهای اجتماعی بخصوص جنبش کارگری در ایران حداقل در دو دهه گذشته، می بینیم که این جنبش توانسته در ایجاد شرایط کنونی نقش مهمی ایفاء نماید. خشم توده های به ستوه آمده با سر دادن شعارهایی از جمله: مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای، جهانیان بدونید ایران چی شده دزد خونه شده، آخوندا حیا کنید مملکت را رها کنید، نان، کار، آزادی، جوانان بپا خیزید، میمیریم ذلت نمی پذیریم، زندانی سیاسی آزاد باید گردد. جوهر این شعارهای برآمده از این حرکتهای خود جوش به این معنا است که مردم خواهان تغییر از پائین هستند و توهمی بر خلاف جنبش 88 به بالائی ها ندارند.

یکی از مهمترین دستاوردهای این حرکتهای اعتراضی در این چند روزه با هر کم و کاستی و دل نگرانیهای که با خود به همراه دارد این است که مردم توهمی به سیستم سرمایه جمهوری اسلامی ندارند و خواهان فرستادنش به زباله دانی تاریخ هستند.

این جنبش در میدان نیازمند حمایت و سازماندهی است، از ویژگیهای این نوع جنبشهای اجتماعی این خواهد بود که در پروسه تداومش از نظر سیاسی رشد یافته و برای سازمانیابی، خودبازارهای مورد نیازش را خواهد یافت. از نکته قوتهای این حرکتها این است که مردم بدرجه ای بهم اعتماد نموده و به نیروی توده ایی خود ایمان آورده اند. در روند ادامه این اعتراضات خیابانی با استفاده از تجارب گرانبهای مبارزاتی دوره های گذشته، بویژه انقلاب 57 بسرعت کمیته ها و شوراهای محلی برای کنترل بر امورات روزمره مردم شکل خواهد گرفت. این جای بس امید است! جوانانی که به دلیل وقوع انقلاب 57 نسل ما را سرزنش می کردند، امروز خود آنها اکثرا صف این اعتراضات را تشکیل میدهند و در پی آند سکان را بدست بگیرند.

مجموعه این حرکتها نیاز به تقویت و حمایت دارد. این تازه شروع کار است، نتیجه هزاران صفحه، تحلیل و تئوری را مردم در حرکتهای اعتراضی و خشم خود به خیابانها آورده اند و به مرحله عمل گذاشته اند. و با اشتراکات موجودشان در اتحاد عملی صادقانه و بدور از وابستگی به هر جریان در کنار هم برای پیشبرد یک مبارزه به این معنا که معیشت و رفاه من در گرو معیشت و رفاه دیگری است به میدان آمده اند. و تمام خطرات موجود از طرف رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را به جان خریده اند.

تداوم این مبارزه رهبران خود را پدیدار خواهد نمود و سازمان سراسری خود را خواهد یافت. تمام اینها نیاز به استمرار آن دارد و متحد شدن هر چه بیشتر توده های مردم در سطح میلیونی را می طلبد. اما آنچه به ما بر می گردد، حمایت قاطع از جنبش مردم و انعکاس خواسته ها و مطالبات آن در سطح جهانی است.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور ضمن حمایت و همبستگی خود از این مبارزات خود را جزئی از این حرکت میدانیم. ضمن تداوم این حرکتها و پیگیری آن از خبررسانی و انعکاس آن در سطح جهانی تا اعتراضات وسیع به اشکال آکسیونی بر علیه نظام پوسیده جمهوری اسلامی از پای نخواهیم نشست.

زنده باد نیروی اتحاد و همبستگی توده ایی

مرگ بر نظام جنایتکار جمهوری اسلامی

دوشنبه یازدهم دیماه 1396 - 1 ژانویه 2018

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

## به یاد، کارگران جانباخته خاتون آباد



روز چهارم بهمن (24 ژانویه) سالروز کشتار کارگران معترض معدن خاتون آباد شهر بابک است. جهت اعتراض به موج اخراج ها، کارگران همراه با خانواده های شان در روز 28 دی ماه ی 1382 تجمع و تحصن کردند و جاده ی منتهی به مجتمع مس خاتون آباد را مسدود می کنند، آنها از زمین و هوا مورد یورش نیروهای نظامی جمهوری اسلامی قرار گرفتند، تعدادی زخمی و چهار نفر از کارگران به نامهای ریاحی، مدنی، جاویدی و مهدوی و یک نفر دانش آموز به نام پورامینی جان باختند.

کارگران معدن خاتون آباد با مطرح کردن پایه ای ترین خواستههای خود که بر علیه قراردادهای موقت و سلطه غارت گرانه شرکت های پیمانکاری و حفظ امنیت شغلی بود مورد یورش وحشیانه مزدوران سرمایه و ضرب و شتم آنها قرار گرفتند و به خاک و خون کشیده شدند. کارگران در اعتراضات حق طلبانه خود با گلوله و مرگ پاسخ گرفتند. در واقع اعتراض کارگران خاتون آباد به طرح قراردادهای موقت، اعتراض به دولت سرمایه جمهوری اسلامی بود که خود بعنوان بزرگترین کارفرما مسئول اجرای این طرح و بکارگیری کارگران قراردادی و پیمانی است. این فاجعه خاتون آباد وظایف جدی تری را جلو روی کارگران ایران گذاشت. کارگران برای رهایی از زیر خط فقر و جلوگیری از استثمار بیشتر با اجرای طرحهای قراردادی و موقت کار و شرکتهای پیمانی ناچار به مبارزه و ایجاد تشکلهای توده ایشان شدند. این حمله وحشیانه رژیم به کارگران خاتون آباد نتوانست خلی در اراده مبارزاتی و طبقاتی طبقه کارگر ایران بوجود بیاورد و آنها را مرعوب نماید. بلکه بر عکس عزمشان برای مبارزه در جهت رسیدن به مطالبات ریز و درشتشان متشکل تر افزایش یافت. از آن هنگام تا کنون جنبش کارگری روزی نبوده است که شاهد اعتراضات و اعتصابات کارگری بر علیه اخراج های گسترده، احقاق حقوقهای معوقه، تأمین امنیت شغلی و خصوصی سازی و ایجاد تشکلهای مستقل نبوده باشد.

کشتار کارگران خاتون آباد، دستگیری ده ها فعال و پیشرو کارگری و زندانی کردن آنها، ادامه مبارزه تا کنونی کارگران، نشان از پیشروی این جنبش را در پیش رو دارد. مبارزه ی کارگران در



## کارگران جهان متحد شویم!

شهر بابک نشان داد که آنها برای دفاع از منافعشان، تابع بی چون و چرای اراده ی صاحبان قدرت و سرمایه نیستند و آماده اند تا پای جان از منافع خود دفاع کنند.

مبارزه کارگران خاتون آباد تداوم خود را در اعتراضات وسیع کارگری و دیگر اقصای مزد بگیر جامعه از جمله: معلمان، پرستاران و بازنشستگان در اشکال مختلف نشان داده است، و همچنین زمینه عینی را برای اعتراضات مردمی ایجاد نموده است. اعتراضات خیابانی توده های مردم که اکثراً بیکاران و گرسنگانی هستند که بخش وسیعی از جنبش کارگری را شامل میشوند، نمی توانست بطور خودبخوبی شکل بگیرد. این خیزش مردمی بنا به عینتها و واقعیتهای اقتصادی و سیاسی جامعه موجود و بحرانی که سالها میلیونها انسان را با فقر و گرسنگی مواجه نموده است، تداوم بخش مبارزات روزمره کارگران و دیگر مزد بگیران است که سالها است در جریان است، و به جنبشی تبدیل شده که بدون توهم به این جناح و یا آن جناح جمهوری اسلامی به کلیت نظام تعرض نموده و خواهان دست بردن به تغییرات بنیادی است. گرچه این جنبش به اندازه ایی از سازماندهی برخوردار است، اما در دراز مدت برای مقاومت و همبستگی هر چه بیشتر اقصای جامعه نیاز به سازماندهی جدیتری دارد. شوراهای و کمیته های محلی، در شهرها و محلات و محل کارها بنا به تجارب تاریخی مبارزات گذشته در ایران می تواند تضمین کننده ادامه این مبارزات باشد.

حمله آگاهانه نیروهای سرکوبگر دولت سرمایه داری به کارگران و توده های مردم به ستوه آمده که برای احقاق حقوق پایه ای خود مبارزه می نمایند، برای تسلیم نمودن آنها به شرایط بندگی و حفظ منافع طبقات مسلط و افزایش سودآوری سرمایه است. اما مبارزه ی کارگران در شهر بابک و امروز توده های مردم در خیابانها نشان داد که آنها هر گاه منافعشان به خطر افتد، تابع بی چون و چرای اراده ی صاحبان قدرت و سرمایه نیستند و آماده اند تا پای جان از منافع خود دفاع کنند. چهارم بهمن صحنه پیکار و مقاومت کارگران در برابر سرمایه و زور و بی حقوقی است. روز مقاومت کارگران در مقابل بندگی سرمایه است. اینک وظیفه ماست که با گرمی داشت این روز، و همچنین به حمایت از خیزشی که تا کنون هزاران زندانی و دهها نفر در راه آن جان باخته اند، پرچم این مبارزه علیه بی حقوقی و قوانین سرمایه را در اهتزاز نگه داریم.

دوشنبه ۳ بهمن ۱۳۹۶ - ۲۲ ژانویه ۲۰۱۸

### زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی!

گرامی باد یاد جان باخته گان معدن مس خاتون آباد و خیزش مردمی اخیر!

**نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور**

[nhkommittehamahangi@gmail.com](mailto:nhkommittehamahangi@gmail.com)

# Worker's New Year and May 1st

## Happiness to the workers of the world

*We passed one worker's year, the year that was the most obvious witness to the class struggle of labor and capital. Over the course of centuries, and throughout, discrimination of the contemporary world of capitalism, shadow of war, inequality, poverty, hunger, global warming, and the migration of millions human beings and ... circling over the people's head.*

*In Iran, the situation of the workers has been severely damaged as a result of the Islamic Republic's plunder. The systematic repression of leading workers and organizations of the workers' movement has become one of the constant policies of the Islamic regime since the revolution. However, Iranian workers are deprived of their independent and universal organization, and labor activists are either in prison or on bail, waiting to be arrested again. The exploiting Iranian capitalism left no plan or trick aside in over exploitation of workers: Has delayed or unpaid the wages of workers for months and years, many salaries and benefits of workers, including the share of workers' insurance, were eliminated or not paid. Many work places were shut down under unrealistic reasons and made many workers unemployed, striking workers and their standing representatives were fired, any protesting movements crack down under the regime backing and military forces and judiciary (regime Which is itself the largest capitalist and represents and defends the interests of capitalists), placing workers in jail, tortured, killed or made them to commit suicide and or assassinated. The situation of Afghan workers living in Iran due to discrimination, humiliations and excessive deprivation are much worse.*

*In the face of all these oppression and injustice, the workers and other strata of the working people of the society did not remain silent, throughout the country, and in all the big cities and towns, all year round, we witnessed protests, strikes and various initiatives in the continuation of their struggles. The long strikes of Ahwaz Steel National Group, Haft Tapeh Sugarcane, Hepco and Azarab Arak, workers of the Sherkat Vahed, petrochemicals, workers of all municipalities, telecommunications and ... women's struggles, teachers, retirees, nurses and students, and in particular fighting political prisoners as well as farmers, lost bank depositors, on back carrier( people whom for making a living carrying stuff on their back from Iraq Kurdish side to Iran side, whose being shot by regime of Iran many times), earthquakes and ... Which showed its peak in the uprising of the deprived and oppressed of the society, linking the bread, labor and freedom movement on December 29 to Jan 8 2018, shocked the countries in many towns and cities for 10 days, the brilliant signs of these constant and righteousness struggles were in alignment, coherence and solidarity. Efficient organization, smart and intelligent planning, righteous and slamming slogans, reliance on its power in slogans such as:*

*"If you cannot run the factory, we the workers, ourselves can take it in our hands and manage it" (quote from workers of Haft Tapeh Sugar Cane Company) the families participations in the marches and sometimes the support of other strata of the people show the characteristics of this era. The prominent role of conscious and fighting women in these struggles is very impressive. In particular, their presence on March 8 with the slogan "Employment and equal pay is the right of all women" and in protest against inequality and gender discrimination in the field of employment and livelihoods in front of the Ministry of Labor indicates the growth of consciousness of this movement, which seeks to rely on the most fundamental demands of women are to go*

along with the workers' movement and help organize women workers. The unity of workers, the firm determination to resist and endure to the end, and to fear of any threat, danger and imprisonment, and even death, declaring that: "Attacks and arrests have no effect. Until we get our rights, the strike continues." The effective factors were to gain some temporary and relative success of the workers, indicating the progression and offensive in place of acting defensive, workers' protests over the past year, however, many of the rightful demands of workers have not yet been addressed and they have not been achieved due to imbalances of power to workers disadvantage.

But the class struggle does not end till to the complete elimination of classes. One year is over, but a promising and tumultuous year is ahead, and the remaining demands remain a decisive battleground for continued engagement. The year ahead of us, the announcement of the continuation, expansion, and deepening of these struggles through deeper unification, wider organization and expansion, and the unification of these dispersed streams and the emergence of a flood of their own in disturbing the balance of power for the benefit of the workers. The knowledgeable and militant Ahwaz steel workers rightly said and preached that: "Today, the only way to cope with the misfortune that goes against us is to unite the workers of all industries all over the country. Our power and strength to stand against bullies and gold worshiper capitalists will become more and more consistent with our unity. Hoping for the day that all of us, the workers of this land, consistently and in one voice and concerted consistently fulfill our demands and play a role in determining our own fate. "

With this promising guideline, on this auspicious day of May 1st, the day of the unity and struggle of the working class of the world, we are looking forward to the new worker's day, and with the hope of a bright future, we will flourish victorious flag of the bigger victories of the working class.

### **Happy first of May Day**

**Victorious be the struggles of the working class of Iran and the world**  
**To be establish a national and independent organization of workers in Iran**  
**Be overthrown the capitalist system of the Islamic Republic of Iran**

"Common Action Network"

First may of 2018

Signatures in alphabetical order:

Association for the Defense of Political and Conscience Prisoners in Iran - Paris

Society of Socialists - Sweden

Cultural-Social Society of Thought - Gothenburg - Sweden

Kurdish population living in France

Supporting the Iranian People's Movement - Mains - Germany

Workers activist 'Network in Defense of Workers' demands (Calgary) - Canada

Coordinating Council against the Islamic Republic's killing (shouting Khavaran) - Sweden

Solidarity Council with the Workers' Movement- Paris-France

Solidarity Council with the struggles of the people of Iran - London - England

The center of Iranian political refugees - Berlin, Germany

The refugee center in Munster, Germany

Democratic and Socialist Activists Center - Hannover - Germany

The Center of Solidarity with Workers in Iran - Gothenburg - Sweden

The Center of Solidarity with the Labor Movement in Iran Frankfurt - Germany

The center of solidarity with the labor movement in Iran, Hannover, Germany

Committee for the Defense of Iranian Political Prisoners-Berlin-Germany

Committee for the Defense of the People of Iran - Switzerland

Committee for the Defense of the People of Iran - Chicago - America

Solidarity Committee with the struggles of the people of Iran - Frankfurt - Germany

Workers' Solidarity Committee of Iran and Sweden

Solidarity with Workers Movement in Iran - Abroad

Socialist solidarity with Iranians workers - France

**kanoon-koneshe-moshtarak@googlegroups.com**

**www.koneshmoshtark.com**

## مصوبات

### نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران

#### خارج کشور

#### الف: "اشتراکات ما"

- 1- نهادهای همبستگی با کارگران ایران دفاع از خواسته ها، مبارزات و تشکلات مستقل کارگری در همه اشکال آن را مهمترین وظیفه خود می دانند. انعکاس اخبار و مبارزات کارگری و سایر جنبش های اجتماعی در ایران از دیگر وظائف این نهاد ها می باشد.
- 2- این نهادها در مقابل نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی و کلیه نیروهای ارتجاعی و ضد کارگری و عوامل آنها در سطح کشوری و بین المللی مرزبندی قاطع و روشن دارند. افشا و مبارزه بر علیه این نیروهای ارتجاعی و همچنین افشا و جلوگیری از بهره برداری های نیروها و نهادهای راست و امپریالیستی از مبارزات کارگری از جمله دیگر وظائف این نهادها می باشد.
- 3- تلاش برای ارتباط گسترده تر جنبش کارگری ایران با جنبش بین المللی کارگری و جلب حمایت و همبستگی وسیعترین نیروهای مترقی بین المللی از جنبش کارگری ایران، دفاع از مبارزات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی کارگران و سایر اقشار محروم اجتماعی در سطح جهان و شرکت فعال در این مبارزات وظیفه نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.
- 4- تبلیغ ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و حاکمیت سرمایه در ایران نیز از جمله وظائف ماست.
- 5- تبادل نظر و اطلاعات در جهت خدمت به کار مشترک و نیز حفاظت از نهادهای همبستگی کارگری در خارج از کشور به صورت مشترک در برابر دشمنان طبقه کارگر و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی از جمله وظائف مشترک ماست.
- 6- جمع آوری کمک مالی برای تشکلات مستقل کارگری در ایران یکی دیگر از وظائف نهادهای همبستگی با کارگران ایران است.

#### ب: "ارگان ها"

#### یک: مجمع عمومی

- 1- مجمع عمومی عالی ترین ارگان برنامه ریزی و تصمیم گیری نهاد های همبستگی کارگری است. این مجمع عمومی هر 6 ماه یک بار تشکیل می یابد. نشست و یا مجمع عمومی حضوری سالی یکبار برگزار میگردد.
- 2- مجمع عمومی بررسی گزارش های هئیت هماهنگی و واحد ها، پیشنهادات، تغییر یا تکمیل مواد یا مبانی همکاری ها، برنامه ریزی آینده و انتخاب هئیت هماهنگی آینده را بعهده دارد.
- 3- مجمع عمومی با حضور دو سوم نهادها رسمیت می یابد. حضور تمامی اعضا نهادها در مجمع عمومی ضروری و آزاد است.
- 4- به پیشنهاد نصف بعلاوه یک نهادها و شرح ضرورت آن مجمع عمومی فوق العاده فراخوانده میشود.

## کارگران جهان متحد شویم!

5- بررسی و پذیرش تقاضای پیوستن نهادهای جدید براساس قبول موازین مشترک جمع و حداقل معرفی یک نهاد صورت می‌گیرد. این تقاضا از طریق کمیته هماهنگ کننده برای همه نهادها ارسال می‌شود که در صورت توافق نصف به علاوه یک نهادها در مدت یک ماه، آن نهاد به عضویت در می‌آید.

تبصره - در صورت ارائه سند از جانب نهادی در مورد عدم صلاحیت نهاد متقاضی عضویت، تصمیم‌گیری برعهده اولین مجمع عمومی می‌باشد.

6 - میهمانان در مجمع عمومی عبارتند از:

الف - رفقانی که هیئت هماهنگ کننده از فعالان کارگری داخل و خارج از کشور دعوت به عمل می‌آورند. شرکت این میهمانان در مجمع عمومی با تأیید دوسوم هیئت هماهنگ کننده صورت می‌گیرد.

ب - رفقانی که در رابطه با مناسبات همبستگی بین‌المللی و ارتباط با گرایش‌های چپ کارگری شهری از طریق رفقای تدارک دهنده مجمع عمومی دعوت می‌شوند. رفقای دعوت شده می‌توانند در تمامی طول جلسات حضور نمایند. با بحث و تبادل نظرات و بعنوان مشاور و انتقال تجربه درمباحث شرکت نمایند و رای مشورتی دارند.

7 - همه اعضای حاضر در مجمع عمومی از حق رای مساوی برخوردار هستند.

8 - نهاد محلی به نهادی گفته می‌شود که حد اقل از سه عضو تشکیل شده و در پیوند با محیط استقرار خود (کشور یا شهر) فعالیتی مستمر برای جلب حمایت از جنبش کارگری در ایران داشته باشد.

### دو: هیئت هماهنگ کننده

1- مجمع عمومی برای هماهنگ کردن فعالیت‌ها و پیگیری مصوبات، برنامه‌ها و رابطه بین نهادها یک هیئت هماهنگ کننده سه نفره انتخاب می‌کند.

2- هیئت هماهنگ کننده هر 14 روز یکبار تشکیل جلسه داده و وظایف را بر حسب مورد بین خود یا اعضای دیگر تقسیم می‌کند. سایر اعضای نهادها نیز می‌توانند بدون حق رای و تنها با حق مشارکت در این نشست‌ها شرکت کرده و در چهارچوب دستور جلسه تعیین شده توسط هیئت هماهنگ کننده و در محدوده زمانی که برای اظهار نظرات آنها معین می‌شود، نظرات مشورتی خود را ابراز کنند.

3- هیئت هماهنگ کننده مجاز نیست به اقدامات یا برنامه‌هایی خارج از مصوبات مجمع عمومی بپردازد. همچنین حق نقض و یا تغییر تصمیمات مجمع عمومی را ندارد. هر پیشنهاد یا برنامه جدید باید به اطلاع تمامی نهادها رسیده و با توافق نصف به علاوه یک آنها قابل اجرا خواهد بود.

4- هیئت هماهنگ کننده راساً مجری هیچ برنامه‌ای نیست بلکه می‌کوشد با درگیر کردن تمامی رفقا و تقسیم کار مناسب از طریق تشکیل گروه‌های کاری فعالیت‌های عملی را هماهنگ کند.

## کارگران جهان متحد شویم!

5- گزارشات مجامع عمومی، مصوبات، اطلاعیه ها و اخبار مربوط به مجموع نهادها تنها از طریق هیئت هماهنگ کننده انتشار بیرونی می یابد و از طریق ایمیل گروهی توزیع درونی می شود.

6- با توجه به نیاز و ضرورت، جلسات عمومی از اعضای نهادها برگزار میشود. در این جلسات که معادل مجمع عمومی نبوده و از اختیارات مجمع عمومی برخوردار نیستند، نهادها گزارش فعالیتهای خود را ارائه داده و نیز بحث، تبادل نظر و مشورت پیرامون پیشنهادات و فعالیتهای جاری صورت میگیرد. اداره این جلسات عمومی بعهد هیئت هماهنگ کننده بوده و گزارش این جلسات را تهیه و به نهادها ارسال میکند.

7- هر شش ماه یکبار در مجمع عمومی سه نهاد به طور دوره ای و چرخشی برای تشکیل هیئت هماهنگ کننده انتخاب میشوند. هر یک از این نهادها یک نفر را برای شرکت در هیئت هماهنگی معرفی میکند.

8- هیات هماهنگ کننده می باید بصورت کاملاً پیگیر خواهان ارسال گزارشات شش ماهه نهادها بشود و بعد از بررسی، آن گزارشاتی را که برای انتشار بیرونی مناسب هستند به مجمع عمومی ارائه دهد تا در مورد آنها تصمیم گیری شود.

9- بمنظور انتقال تجربه از هیات هماهنگ کننده قبلی به هیات جدید، ضروری است یک نفر از اعضای هیات پیشین، در جلسات هیات هماهنگ کننده جدید به مدت یکماه بعنوان مشاور حضور داشته باشد.

10- مسئولیت انتشار بیانیه و اطلاعیه ها با هیئت هماهنگ کننده بامکانیزم 48 ساعت گردش و نظرخواهی در درون نهادها میباشد.

تبصره یک: اطلاعیه و بیانیه ها بایستی حتی الامکان کوتاه و روشن در چهارچوب مصوبات و سیاست کلی نهادها و بدون وارد شدن به مباحث پلمیک و نظری باشند.

تبصره دو: اطلاعیه ها بصورت پیش نویس به هیئت هماهنگ کننده ارسال و از آنجا به همه نهادها و منفردین برای نظردهی فرستاده می شوند. اگر نهادی مخالفت یا ملاحظه ای در مورد بیانیه و اطلاعیه داشته باشد، بایستی مورد اصلاحیه اش را مشخص نماید و ارائه دهد. چنانچه نهادی با کلیت بیانیه و اطلاعیه مذکور مخالف باشد، می باید اطلاع دهد، تا نام و امضای آن نهاد در پانین بیانیه درج نشود و اگر نهادی در این رابطه جواب نداد، دلیل بر موافقت با بیانیه پیشنهادی است. زمان مورد نظر برای نظردهی درباره بیانیه و اطلاعیه ها 48 ساعت می باشد.

تبصره سه: در صورتی که نهادی با بیانیه یا اطلاعیه ای توافق نداشته باشد، اسامی سایر نهادها بدون ذکر نام نهاد مخالف، در زیر بیانیه و اطلاعیه آورده می شود. در صورت توافق اکثریت نهادها، ذکر نام تمامی نهادها ضرورتی ندارد.

### پ - ضوابط همکاری ها

- 1- هریک از نهادها متشکل از افرادی با گرایشات سیاسی گوناگون می باشند، لذا این مجموعه ، جریانی چندگرایشی و مستقل از احزاب و سازمانهای سیاسی است و به هیچ وجه گرایشی مجاز نیست خود را بر این مجموعه تحمیل کرده و یا به نوعی این نهادها را زیر مجموعه خود محسوب نماید .
- 2- مناسبات بین نهادها بر اساس همکاری جمعی است، سمت و سو و تمرکز اصلی آنها بر شرکت در فعالیتهای و همکاری عملی است. در چنین روندی جهت انسجام و صیقل بخشیدن به مسائل فکری در زمینه های نظری، مباحث سیاسی - اجتماعی بر مبنای اهداف جنبش کارگری را در مسیر همکاریهای خویش قرار خواهیم داد ولی تصمیمات سیاسی - نظری گرفته نمیشود.
- 3 - نهادها در سطح محلی کاملا مستقل بوده و میتوانند راسا و یا با شرکت هر نهاد مترقی دیگری فعالیتهائی داشته باشند. همچنین در صورت عدم توافق با یک برنامه جمعی پیشنهادی به هیچ وجه ملزم به تبعیت و اجرای آن نیستند.
- 4 - تصمیم گیریها بین نهادها بر اساس تفاهم، اعتماد متقابل، احترام، بحث و اقناع می باشد. در مواردی که نیاز به رای گیری باشد، توافق نصف به علاوه یک اعضای شرکت کننده در نشست ضروری است.
- 5 - نهادها داوطلبانه در فعالیتهای عملی مشترک شرکت میکنند، و در صورت شرکت، متعهد به انجام آن و سپس دادن گزارش کتبی فعالیت های خود به مجمع عمومی می باشند.
- 6 - هیچ نهادی حق ارائه بیرونی اسناد و گزارشات جلسات درونی نهادها و همچنین سمینارها و جلسات عمومی در سطوح مختلف ، بدون توافق کلیه نهادها را ندارد.
- 7 - نهادها موظف به ارائه گزارش اقدامات شش ماهه خود میباشند. این گزارشات می باید یک ماه پیش از مجمع عمومی حضوری یا پالتاکی به هیئت هماهنگ کننده ارسال شوند تا برای اطلاع در اختیار نهادها گذاشته شود.
- 8 - نهادهای همبستگی باجنبش کارگری، بنا به تعریف، جمع نهادهاست و ترجیح و تشویق آن برای نهادهای متشکل درکشورها و شهرهای مختلف و پرهیز از انفرادی و تک یاختگی است. با این حال خود را از توان و تجربه فعالین کارگری در خارج از کشور که به هر دلیل بصورت نهاد محلی عمل نمیکنند بی نیاز نمی داند و آنان را به همکاری دعوت می کند.
- 9 - نهادهای محلی نهادهای همبستگی در سطح کشورها برای امکان همکاری و هماهنگی میان نهادهای ایجاد شده اند تا یک جمع بزرگتر و فراگیرتر از تک نهادهای ایجاد شود، یعنی روش کار نهادهای نباید در جهت تانید انفرادگرائی و میدان دادن به آن باشد. همکاری منفرد بین نهادهای برقبول این اصل بنیادی و بدیهی استوار است که نهادها شالوده این جمع و همکاری را تشکیل میدهند و موازین و شرایط کار و همکاری با منفردین در هیچ موردی نباید اساس موجودیت نهادی را تحت الشعاع قرار دهد.
- 9 - هر متقاضی عضویت انفرادی را می باید حد اقل یکی از اعضای نهادها معرفی کند.

10- عضو منفرد می بایست بصورت فعال در یکی از فعالیتهای عمومی نهادها از جمله کمیسیونها شرکت داشته باشد. عضومنفرد در صورت غیرفعال بودن در فعالیتهای عمومی نهادها، تنها برخوردار از حق رأی مشورتی است. توصیه می شود بمنظور اهمیت فعالیت دسته جمعی ونهادی و پیشبرد بهترین نوع فعالیتهای آنها، از هر نهاد حداقل یک رفیق در یکی از فعالیتهای عمومی شرکت فعال داشته باشد.

11 - عضومنفرد نمی تواند به عضویت هیئت هماهنگ کننده نهادها انتخاب شود اما میتواند مسئولیت کمیسیون های و گروههای کاری را برعهده گیرد.

12 - مناسبات در درون نهادها می باید برشفافیت و صداقت و صراحت استوار باشد. هنرها و عضونهاد و هر عضومنفرد حق دارد در رابطه با مباحث و تدارکات تصمیمات و یا اختلافات موجود، به طرح آزادانه نظرات خود و جلب نظر دیگران بپردازد اما این کار باید با انتشار علنی متن مربوطه در جمع نهادها و دعوت عمومی به امضای موافقین آن باشد.

13 - کسانی که از نهادها اخراج و یا به هر دلیلی جدا می شوند، برای پذیرش دوباره در نهادها پروسه عضویت منفردین مستقل را طی می نمایند.

14 - هر عضو ونهادی که در هر نشست امپریالیستی و آلترناتیوسازی بورژوازی که در چهارچوب تائید نهادها قرار ندارد، شرکت کند، بایستی پاسخگو در برابر نهادها باشد.

چنانچه رفیق یا نهاد شرکت کننده در چنین جلساتی، با آگاهی از ماهیت نشست در آن شرکت کرده و از این عمل خود دفاع نماید، بلافاصله عضویت فرد یا نهاد مربوطه از طرف هیئت هماهنگ کننده تا مجمع پیش رویه تعلیق درمی آید و تصمیم قطعی در مجمع عمومی گرفته خواهد شد.

اولین مجمع عمومی پس از تعلیق، وضعیت قطعی رفیق یا نهاد مربوطه را تعیین خواهد کرد و صورت مسئله برپایه گزارش هیئت هماهنگ کننده در سطح جنبش انتشار داده می شود.

در صورت برگزاری چنین جلسه ای، فرد یا نهادی که تمایل به شرکت در آن را دارد، چنانچه به صورت نهاد همبستگی شرکت میکند، می بایست به هیئت هماهنگ کننده اطلاع دهند تا آن اجلاس و یا نحوه شرکت در آن، مورد توافق مجمع عمومی نهادها قرار گیرد.

چنانچه در شرایط ایجاد شده کوچکترین ناروشتی وجود داشته باشد، هیئت هماهنگ کننده موظف است پیش از هر عمل یا تصمیم گیری، فراخوانی جهت برگزاری مجمع عمومی فوق العاده بدهد تا مسئله در آن مجمع، مورد بررسی قرار گیرد.

15 - نهادها حتماً باید در پنج مقطع زمانی معین، واکنش مقتضی را در قالب بیانیه و اطلاعیه و یا در دستور گذاشتن یک کمپین، نشان دهند. اینها عبارتند از: اول ماه مه، سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد، هشت مارس، کمپین برای آزادی کارگران زندانی.



# برای آزادی فوری، بدون قید و شرط کارگران زندانی

و دیگر زندانیان سیاسی به هر شکل که میتوانیم، بکوشیم!

رژیم ضد کارگر در ایران به وحشیانه ترین شکلی  
با زندانیان سیاسی رفتار می کند.  
رژیم سرمایه داری  
شکنجه های جسمی و روحی قرون وسطائی،  
علیه زندانیان سیاسی اعمال میکند.  
رژیم ضد کارگر در ایران احکام سنگین و  
سالها بازداشت برای کارگران زندانی و  
شروط و وثیقه های سنگینی  
برای آزادی موقتی کارگران تصویب می کند.  
رژیم حامی سرمایه برای خالی تر کردن سفره کارگران، جریمه های نقدی سنگینی را بر  
کارگران برای آزادی از زندان تحمیل می کند.  
رژیم انسان کش، زندانی می کند، شکنجه میکند، اعدام می کند.  
تا طبقه کارگر و جامعه را به سکوت وا دار نماید.  
باید بر علیه این وضعیت برخاست. باید و می توان رژیم را بعقب نشینی وا داشت.  
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور  
همه کارگران و فعالین کارگری، سازمانها، تشکلهای، گروهها و ... را فرامیخواند که به  
هر شکل و با هر توانی که دارند  
کمیته های سراسری برای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی سازماندهی  
نموده و شرکت نمایند،  
تا شرایط آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان  
سیاسی هرچه بیشتر، فراهم گردد.

به کمپنهای آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید!  
کمپین آزادی کارگران زندانی را تقویت کنید و خواست آزادی کارگران  
را هر چه بیشتر به گوش جهانیان برسانیم!

## همبستگی جهانی کارگران مرزی ندارد!

همبستگی و پشتیبانی کارگران،  
سندیکاها، اتحادیه های کارگری،  
نهادهای مترقی و سوسیالیستی و ...  
برای آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی  
ضروری است!

باور داریم که در ایران نیز طبقه کارگر متشکل در شکل های طبقاتی  
و توده ای اش، پایان دهنده زندان، شکنجه، اعدام و کلن نظم موجود  
اجتماعی است. برای کمک و یاری رساندن به این مبارزه، در جهت  
آزادی کارگران زندانی با هر توانی که داریم در خارج و داخل ایران  
بکوشیم. این یک گام واقعی در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
سرمایه داری است.

آزادی کارگران زندانی

و تمامی زندانیان سیاسی

درگرو

گسترش مبارزه متحدانه ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور



رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با شکست انقلاب، به اعدام، زندان، شکنجه، ستم، استثمار و ... که در زمان شاه و سلطنت پهلوی نیز رایج بود، ادامه داد. این رژیم از بدو به قدرت رسیدنش، حمله و سرکوب کارگران و تشکلهای کارگری و دیگر نیروهای اجتماعی مترقی را در دستور داشته است و اکنون در بحران سیاسی و اقتصادی عمیقی فرو رفته است، اما برای نجات خود بار بحران را با بیکاری، گرانی، فقر، گرسنگی و بی خانمانی بردوش اکثریت جامعه گذاشته است. هیچ جناح و دسته و گروه و جمعی از این رژیم دوست کارگران و زحمتکشان نیست. کلیت این نظام باید برچیده شود.

## زندانهای رژیم مملو از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور، کارگران و فعالین کارگری، نهادها، تشکلهای، سازمانها، احزاب مترقی و تمامی دوستداران و هواداران جنبش کارگری را فرامیخواند که در هر محل کار، منطقه، شهر و کشوری که هستند، در همراهی با نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران-خارج کشور، آکسیونها، پیکتهای اعتراضی، تظاهرات و تجمعات اعتراضی و ... را سازماندهی کرده و خواهان آزادی کارگران دستگیر شده، کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی شویم.

**تا آزادی تمامی کارگران دستگیر شده، سایر زندانیان سیاسی، مبارزه بیوقفه ادامه دارد.**

## برای همبستگی و همیاری بیشتر با جنبش کارگری در ایران به نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور بپیوندید!

کمپینها و کارزارهای دفاع از آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و تمام زندانیان سیاسی، تا آزادی همگی این عزیزان، بیوقفه ادامه دارد!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران و دیگر فعالین، هوادارن و دوستداران جنبش کارگری تا کنون کمپینها و کارزارهایی بیشماری را با خواست آزادی بی قید و شرط کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی برگزار کرده و نیز در جریان است، سازمانها و نهادهای بین المللی بیشماری به این کمپینها و کارزارها پیوسته و علیه رژیم ضد کارگر در ایران اعتراض کرده و میکنند. این کمپینها و کارزارها تا آزادی تمامی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی ادامه خواهد داشت. نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران همگان را فرا میخواند که به هر شکل که میتوانند، در هر کجا که هستند، با هر توانی که دارند به ایجاد نهادهای همبستگی با جنبش کارگری پرداخته و به هر شکل که میتوانند به ادامه کمپینها و کارزارهای همبستگی با جنبش کارگری در خارج کشور یاری رسانند.

برای آزادی کارگران زندانی و دیگر زندانیان سیاسی بیوقفه به هر شکل و نامی که میتوانیم، بکوشیم.

به کمپینها، کارزارها، اکسیونهای اعتراضی و مبارزاتی، برای همبستگی هرچه بیشتر با جنبش کارگری در ایران و نیز آزادی کارگران زندانی و تمامی زندانیان سیاسی بپیوندید و به هر شکل که می توانید صدای خواسته ها و اعتراضات جنبش کارگری را به گوش همگان برسانید.

## اتحاد مبارزاتی ما، رمز پیروزی ماست!

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور